

روش



دفتر اسناد و اسناد
دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزش و پرورش
وزارت آموزش و پرورش

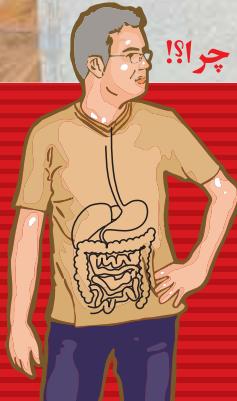
ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزش و پرورش | دوره سی و چهار | فروردین ۱۳۹۵ | شماره پی دری ۲۹۷ | تعداد صفحه: ۴۸ | قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

روش بُرْد-بُرْد

تجربه یک دبیر ریاضی در
مدیریت کلاس



ISSN: 1606-9129
www.roshdmag.ir



سرطان چرا؟!



زینت دین
باشیم



بر مدار
پیروزی



دانش آموزان و
اقتصاد مقاومتی



خوشنویس
طاهر

هُنْرُ عُشُقٍ وَرَزِيلَنْ بَا خَدَا /

وظيفة خدا خدایی است
و وظيفة مابندگی
نمایمی نمایاند که
در این عالم بندهایی است و خدایی!

طراح: سعید بهداد

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي
قَرِيبٌ أُحِبُّ مِنْ دَعْوَةِ
اللَّدُاعِ إِذَا دَعَانِ فَلَيْسَ تَجْهِيْبُوا
لِي وَلَيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ
يَرْشُدُونَ



* منبع
کتاب هُنْرُ عُشُقٍ
وَرَزِيلَنْ بَا خَدَا
نوشته کاظم
علیدوی مطاق
چاپ دوم - ١٣٨٩
نشر ایران گفت

۲ روزها/ مناسبت‌های فرور دین ماه

یادداشت سر دیگر / نوشتۀ‌های خواندنی، تر / محمد، ضا حشمتی، ۴

چهل حکمت انسان‌شناسی، قرآنی، امهدی فیض، نوید خلعتبری ۵

تنفس، صح / شمیم ستاره‌ها د، نسیم، حب / صدیقه یاقوتی

خطہ ۵ / س، از سے وینچ سا! / ہوشنگ شرق، ۱۰

گ افیک اطلاع، سان، / ب مدار، ب وزع، / محمد کاظم

تح بوها / دش بد بد / قبه سلامه ۱۶

۱۸ آب / مسئله‌های ماقعی / اجا کنیا / سعیده باقی

خطه / هشتم هزار هزار

٢٢ طنز / ج. فیض، ناجی، شاوند، حسن، عاصمی

کلیک، کنید/ سلطان حجا/ فرمانده نیروهای

۲۶ **سنجی و کلاس/ نشانه کارکرد و داد و ستد/ سنجی و کلاس**

تھیں/ داشت آئندہ اقتدار و مقام/ نگرانی کرنے کے لئے

۳۶ گفتارگوی فنی و ایشان احمدی و مسیحی

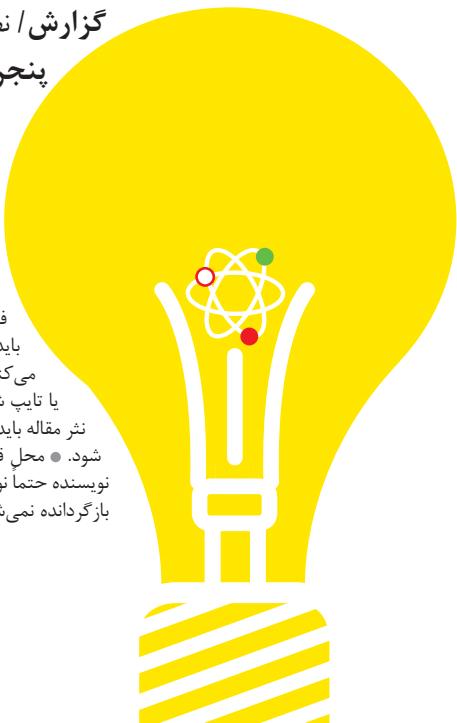
حقوق معاشرها / الحقوق المائية / حقوق الماء / حقوق الماء / حقوق الماء

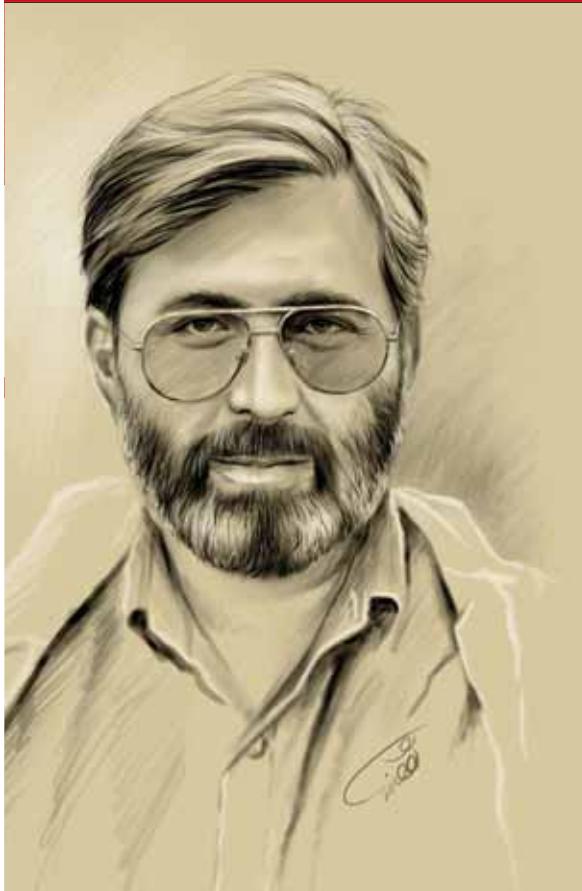
گلشانی آنچه کشیده بود از دیداریان اش بسیار بسیار بود.

پیغمبر، درس اریبی در پیشگویی میں استریم: مبین حمیق ۱۷

قابل توجه نویسنده‌گان و مترجمان

- مقاله‌هایی که برای درج در مجله‌ی فرستیده، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و قابل در جای دیگری چاپ نشده باشند. • مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آنها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنند، این موضوع را قید نرمایند. • مقاله یک خط در میان، برقی روی کاغذ و با خط خواهانو شته یا تایپ شود. مقاله‌ها می‌توانند با نرم‌افزار word و روی لوح فشرده یا از طریق بیان‌نگار مجله ارسال شوند.
 - نظر سنجی زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. • محل قراردادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. • شماره تماس و نشانی الکترونیکی بوسیله‌های توانش شود. • مجله در رد، قول، پیراپش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. • مقالات در رافت از گذانده نمی‌شوند. • آراء، مددج و مقاله‌های پرداختاً می‌شوند. • نظر مسئله‌ها، مجله نیست.





۱۱ فروردین/ولادت حضرت زهرا (س) و روز زن

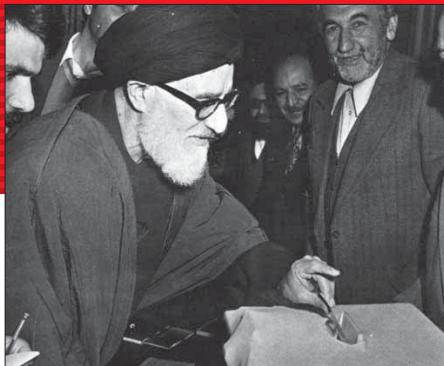
سایبان

سعیده آصلانی

دلگرم شوم
و خواب خورشید ببینم.
تو، ذره ذره مال من شدی،
و من روز به روز مال تو؛
آنقدر مال من شدی
که خودت را گم کردی
گلدان من شدی
و آرزوهایت را به شاخه‌هایم آویختی
حالا من،
درخت آرزوهای توام،
و نمی‌دانم که؛
... چند بهار، جوان‌تر شدم را خواهی دید.

تقدیم به مادرم که عمر گران‌بهایش را وقف
کودکانگی‌های من کرده است.

خيالت، سایه اندخته بر تنهايی ام
در حوالی تو
همیشه آرامش می‌وزد
و رودخانه‌ها،
... در حنجرهات آواز می‌خوانند
در گوشة دلت
همیشه برايم جايی هست
که گرم شوم



۱۲ فروردین / روز جمهوری اسلامی ایران

مردم ایران در روزهای دهم و یازدهم فروردین سال ۱۳۵۸ در همه‌پرسی استقرار جمهوری اسلامی شرکت کردند. ۹۸/۲ درصد مردم به جمهوری اسلامی رای مثبت دادند. به همین مناسبت، روز دوازدهم فروردین به عنوان "روز جمهوری اسلامی ایران" نام‌گذاری شد

۲۰ فروردین / روز شهادت آوینی

های، گوناگون و گستردۀ هنر و اندیشه از خود به یادگار گذاشت، سالروز شهادت این هنرمند فرزانه (روز ۲۰ فروردین)، به عنوان روز هنر انقلاب اسلامی نامیده شده است.

از آن جا که شهید سید مرتضی آوینی، تمام لحظه‌های عمر با برکت خود را پس از انقلاب اسلامی، در مسیر به فعلیت رساندن ارزش‌های اسلامی در قالب هنر صرف کرد و به حق در این راه خدمات ارزنده کم نظری را در عرصه

۲۰ فروردین / روز ملی فناوری هسته‌ای

پاس قدردانی از تلاش‌های افتخار آمیز دانشمندان جوان ایران اسلامی این روز در تقویم رسمی ایرانیان «روز ملی فناوری هسته‌ای» نام‌گرفت.

۲۰ فروردین ماه سال ۱۳۸۵ خبر دستیابی ایران به فناوری غنی سازی اورانیوم و راه اندازی یک زنجیره کامل غنی سازی در نظر اعلام شد. در پی این خبر با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی، به

توضیحات بیشتر را از صفحه ۱۳ تا ۱۵ مطالعه نمایید.

۲۹ فروردین / روز ارتش جمهوری اسلامی ایران



مختلف آغاز کرد. به همین مناسبت امام امت روز بیست و نه فروردین را روز ارتش جمهوری اسلامی ایران نامگذاری کرد. امام خمینی (ره) روز پیوستن ارتش به مردم را با عبارت حکیمانه: "لحظه شادی بندگان خدا و یاس ستمگران" یک نقطه عطف در خشان و افتخار آمیز قلمداد فرمود.

انقلاب لبیک گفت و در نتیجه هم‌صدا و همراه با امت در براندازی رژیم ستمشاهی و سنتیزی بی امان با دشمنان داخلی و خارجی انقلاب برخاست و به عنوان نخستین بازوی توانمند نظامی انقلاب در جهت تحقق اهداف شاهنشاهی که پیکره اصلی آن را جوانان برومند خانواده‌های مسلمان و اغلب مستضعف ایرانی تشکیل می‌داد، به ندای آسمانی رهبر

۲۹ فروردین، روز ارتش جمهوری اسلامی ایران، در بزرگداشت حماسه آفرینی‌های دلاور مردان نیروی زمینی ارتش است. هم‌زمان با به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی، ارتش رژیم شاهنشاهی که پیکره اصلی آن را جوانان برومند خانواده‌های مسلمان و اغلب مستضعف ایرانی تشکیل می‌داد، به ندای آسمانی رهبر

نوشته‌های خواندنی تر

می‌نوشتند چه بسا وضعیت من و شما در کلاس درس متفاوت با امروزمان می‌شد. از نوشتن خسته نشویم، بلکه نوشتن را برای خودمان یک وظیفه آموزشی بدانیم. بعضی از معلمان خوش‌سیقه دفترچه کوچکی همراه خود دارند و پس از کلاس درس نکاتی را در آن یادداشت می‌کنند. شاید یکی از رسالت‌های ما به عنوان معلم هر درسی این باشد که سعی کنیم بر نوشتن و درست نوشتن تأکید کنیم. تأکید بر نوشتن فقط وظیفه معلمان ادبیات فارسی نیست. چرا که نوشتن توانمندی و مهارتی است که فارغ‌التحصیل از مدرسه باید آن را برای دروس مختلف آموخته باشد.

همه ما در این مهم نقش داریم. تجربه‌های هر یک از ما اگر به درستی و کامل نوشته شود می‌تواند به اندازه‌چند واحد درس دانشگاهی ارزش داشته باشد. خوشختانه این مهم در برنامه‌های تربیت‌معلم دانشگاه فرهنگیان در نظر گرفته شده است.

سؤال دیگر دانشجویان این بود که چگونه بنویسیم که نوشته‌های ما برای دیگران هم خواندنی شود؟ پاسخ من این بود که «ما باید زیاد بخوانیم و دقیق هم بخوانیم. در خواندن‌هایمان باید به نکات مطرح شده خوب فکر کنیم و سعی کنیم ارتباط موضوع را با امر بادگیری به دست بیاوریم. اثر دیگر این زیاد‌خوانی و دقیق‌خوانی این است که گنجینه لغات ما فرازیش پیدا می‌کند و در زمان نوشتن به کارمان می‌آید.»

نوشتن یک نوع رویش است و زمانی اتفاق می‌افتد که تمامی شرایط لازم وجود داشته باشد. همکاران گرامی! وقتی این دانشجویان با انگیزه برای انجام فعالیت‌های عملی خود به شما و مدرسه شما مراجعه می‌کنند، باشد تا خواننده خودش را در آن فضا و شرایط حاکم بر سرگردانی کنند. سپس گفتم: همین نوشته‌ها می‌توانند زمینه‌ای برای پژوهش درباره یک موضوع مربوط به فرایند تعلیم و تربیت باشد.

سؤال عده دانشجویان این بود که چگونه بنویسیم؟ پاسخ من نیز این بود که «انچه را تجربه می‌کنید بنویسید. از نوشتن نترسید. نگران نارسانویسی نباشد. وقتی نوشته‌های خودتان را بخوانید نوشته بعدی را بهتر خواهید نوشت. نکته دیگر اینکه در زمان نوشتن سعی کنید انچه را در ذهن دارید بر روی کاغذ بیاورید.» گفتم: «همه ما تجربه‌های زیادی از دوران حضور در مدرسه داریم اما به دلیل ثبت نکردن این تجارت، دیگران از آنها بهره‌ای نمی‌برند. بسیاری از معلمان ما اگر تجارت خود را



بیشندهاد اول سردبیر

اگر دنیال نگاهی موشکافانه به تاریخ ازربیجانی در ایران هستید، حتماً به گرافیک‌اطلاع‌رسان پایداری تا پیروزی در صفحه ۸ مراجعه کنید.



بیشندهاد دوم سردبیر

در این شماره جعفر ربانی نگاهی نازه و نو به فضیلت‌های خوشنویسی و معلمی استاد طاهر خوشنویس دارد.

کریم صدر

انسان‌شناسی قرآن

مهدی‌فیض
نویبدخلعتبری

پیش از این، چند ویژگی اختصاصی انسان، ناشی از کیفیت خلق و آفرینش وی را معرفی کردیم. انسان به منزله حی متالله، دارای کرامت، وحدان، حیات سه‌گانه، امانت ویژه، میل به کمال مطلق و دارای مؤلفه‌های چهارگانه وجودی است. به لطف خدا در این شماره، ویژگی‌های دیگری از فطرت انسان را معرفی می‌نماییم: هبوط انسان.

حکمت بیستم

انسان، از مقام علیا،

خداآنده‌آبادانی سرای آخرت را، برای همه انسان‌ها، هدف غایی قرار داده است، پس انسان خداگونه نیز، به‌دنبال تأمین آخرت همگان در بالاترین درجه ممکن است. همان‌طور که خدا آخرت را برای خودش دنبال نمی‌کند، انسان تقرب یافته نیز آخرت را برای خودش دنبال نمی‌کند، بلکه برای دیگران می‌خواهد. چنین انسان رشیدی، چون سعادت آخرت را برای همگان دنبال می‌کند، دچار خودخواهی نمی‌شود. باید دانست که، بنابر تعبیر امام خمینی (ره)، «خودخواهی با خداخواهی جمع نمی‌شود». حال باید دید انسان‌هایی که خود را در این درجه قرار نمی‌دهند، چه انگیزه و نیتی را می‌یابند. آیه زیر به ما می‌گوید که خداوند به انسان، بهترین نظام و ساختمان وجودی را را خشید و پس از آن، همه انسان‌ها را در دنیا (اسفل السالفین) قرار داد. حضور انسان در دنیا به معنی این است که خدا او را در پایین‌ترین درجه عالم قرار داده است تا حرکت کند و خودش بالاترین درجه ممکن را برای خویشتن در عالم مهیا نماید: ما انسان را در نیکوترين نظام و اعتدال و ارزش آفریدیم. (۴) آن گاه او را به پست ترین درجه عالم بازگرداندیم. (۵) مگر آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، پس آنان را پاداشی بی‌منت و همیشگی است. (تبی: آیه ۶)

حال باید دانست که حتی انسان تقرب یافته، با آن مرتبه از نیت (خواستن سعادت ابدی برای همگان)، ممکن است دچار هبوط شود و امیال او نیز به همراه خودش، هبوط پیدا کند. در واقع داستان هبوط آدم و حوا، داستان همه انسان‌ها و خطای او نیز، خطای

انسان، از مقام علیا، به عالم دنیا هبوط کرده است گفته شد که مؤلفه‌های چهارگانه در وجود انسان، زمینه بالا رفتن یا پایین آمدن درجه انسانی هر کس را فراهم می‌کند. این چهار مؤلفه (نیت، باور، خلق و عمل) برای انسان «قرب یافته» و «خلیفه‌الله» در سطح بالایی در قرآن قابل شناسایی هستند. در اینجا انسان تقرب یافته به معنای انسان خداگونه شده است. حال پرسش اینجاست که نیت یک انسان خداگونه چیست؟ که باید گفت: انسان خداگونه همان چیزی را دنبال می‌کند که خداوند، در عالم هستی، می‌خواهد. باز باید پرسید: خداوند در عالم هستی برای انسان‌ها چه می‌خواهد و چه چیزی را دنبال می‌کند؟ آیه‌های زیر راهگشای پاسخ به این پرسش است:

شما [انسان‌ها اکثر] پیامدهای زندگی دنیا را دنبال می‌کنید، در حالی که خداوند آخرت را [که سرچشمه حیات] است، هدف قرار داده است و آن را دنبال می‌کند. (انفال: آیه ۶۷)

[شما مسلمانان و دیگر انسان‌ها] آیا به کالای زندگی دنیایی به جای آخرت [و سرچشمه حیات] دل خوش شده‌اید؟ در حالی که کالای زندگی دنیا در بر بر آخرت جز کالای اندک نیست. (توبه: آیه ۳۸)

اگر [به حیات آخرتی و سرچشمه حیات] کافر شوید [زیانی به خدا نمی‌رسانید؛ زیرا] خدا از شما بی‌نیاز است، ولی کفر را برای بندگانش نمی‌پسندد؛ و اگر سپاس‌گزاری کنید آن را برای شما می‌پسندد. (زمزم: آیه ۷)

حرکت کرده و به قرب حق رسیده‌اند؟ همان دنیایی که باطن و حقیقت آن، جهنم سوزان است. آیه زیر انسان‌های هبتوط یافته را به پیروی از این بزرگواران دعوت می‌کند و عاقبت نیک پیروی از آن‌ها را «بشارت»، و پیامد چشم‌پوشی از این هدایت را «بیم» می‌دهد:

گفتیم: همگی از آن [مرتبه و مقام] فرود آیید، پس چنانچه از سوی من هدایتی برای شما آمد، کسانی که از هدایتم پیروی کنند نه ترسی بر آنان است و نه اندوهگین شوند. (۳۸) و کسانی که کافرشوند و [و] حقیقت را پیوشنند آیات ما را تکذیب کرده، اهل آتشند و در آن جاودانه خواهند بود. (بقره: آیه ۳۹)

بنابراین به طور خلاصه می‌توان گفت هبتوط شامل همه انسان‌ها است و آیات زیر همگی به این واقعه (یعنی حضور انسان در دنیا که باطن آن جهنم است) اشاره دارند: (مریم: آیه ۴، ۵، ۶، ۷۲)

در ادامه، مسیر هبتوط انسان و انگیزه‌های تنزل یافته وی و پیامدهای آن را دنبال می‌کنیم. لازم به تأکید است مدلی که در ادامه معرفی می‌شود استنباط ما از آیات قرآن کریم است و از جایی به وام نگرفته‌ایم.

همه انسان‌هاست و نه خطای شخصی آن دو. به تعبیر علامه طباطبایی، آدم نماد همه مردان و حوانماد همه زنان عالم است و خطای آن دو، همان خطای عمومی انسان‌هاست که ریشه در نیت و مقصد آن‌ها دارد و همین امر سبب هبتوط آن‌ها به دنیا شده است.

پس شیطان، هر دور از [طريق] آن درخت لغزانید و آنان را از آچه در آن بودند [مرتبه معنوی و بهشت موقتی‌شان] بیرون کرد. و ما گفته‌یم: [ای آدم و حوا و فرزندان آنان و ای ابليس!] در حالی که دشمن یکدیگرید، فرود آیید و برای شما در زمین، قرارگاهی [برای زندگی] و تا مدتی معین، وسیله بهرهوری اندکی مهیا خواهد بود. (۳۶) پس آدم کلماتی را از سوی پروردگارش دریافت کرد و [پروردگارش] توبه‌اش را پذیرفت؛ زیرا او بسیار توبه‌پذیر و مهربان است. (بقره: آیه ۳۷)

تنها عده‌ای از اولیای الهی اند که این خطای ایشان سر نزده است. آن بلندهمتان نیز، همچون سایر آدمیان، به دنیا که پست‌ترین عوالم است آمده‌اند، اما وجود خود را آلوده به آن خطایی که دیگران مرتکب شده‌اند، نکرده‌اند، بلکه و در راه نجات و رضوان الهی

حکمت بیست و یک مراتب هبتوط انسان‌ها

این است که این انسان دچار افت می‌شود. این افت را می‌توان در آیات متعدد مشاهده کرد و از این طریق به مراتب نیت، انگیزه و میل انسان‌ها پی برد و مسیر هبتوط او را به دست اورد. در ادامه، این مراتب به همراه آیات مربوط به آن معرفی می‌شوند.

مسیر هبتوط انسان‌ها مرتبی از نیت‌های وی را شامل می‌شود. این هبتوط می‌تواند از مرتبه «میل به خداگونه‌شدن» تا مرتبه نازله «میل به لذت دنیابی» باشد. وقتی قرآن کریم می‌فرماید «ای انسان‌ها هبتوط کنید»، منظور این نیست که از یک جایگاهی به جایگاه دیگری بروید و کار تمام شود، بلکه منظورش

نقطه صفر میل به خداگونه شدن

شدن با آن است. حب انسان به خدا، به معنای میل به همگونی با خدا و میل به خداگونه شدن است. همچنین حب خدا به انسان به معنای این است که خداوند کاری کند که انسان همگون او شود. (در واقع حب خدا از جنس اراده و فعل اولست) بنابراین می‌توانیم معنای عمیق‌تری از آیه را دریافت کنیم: «اگر چنین هستید که میل به خداگونه شدن دارید، [که البته این گونه هستید و همین طور آفریده شده‌اید] بیایید از من، یعنی پیامبر، پیروی کنید تا خداوند اراده کند که شما با او همگون شوید و خداگونه گردید».

اولین جایگاهی که انسان در آن قرار داشت، دارای میل به خداگونه‌شدن بود که در آیات زیر معرفی می‌شوند:

بگو: اگر چنین هستید که خدا را دوست می‌دارید [و البته که این گونه هستید و با این حب آفریده شده‌اید] پس مرا [پیامبر را] پیروی کنید تا خداوند نیز شما را دوست بدارد و گناهاتان را بیامزد؛ که خدا بسیار آمرزند و مهربان است. (آل عمران: آیه ۳۱)

آیه فوق می‌فرماید در ذات انسان این «حب» نهفته است. حب به هر چیز به معنای میل به همگون

ضمناً برای جلوگیری از آفت شرک و تشبيه در خداگونه شدن، آیه زیر راه گشاست: [ای پیامبر! بگو این راهی است که من عرضه می کنم: دعوت به سوی خداوند می کنم، دعوتی با چشم باز [و نه کورکرانه]. من و هر فردی که دنباله رُوی من است چنین دعوتی می کند. و البته خداوند از هر چیزی که در ذهن و دل شماست منته و برتر است؛ و من از مشرکین نیستم. (یوسف: آیه ۱۰۸)

آیه محتملاً می گوید: انسان می تواند «آینه تمام نمای خداوند» بشود ولی فرق زیادی است بین انسان رشید (رشدیافت) و خداوند سبحان؛ همانند فرق بین فردی که روبروی آینه است با تصویری که در آینه است. حقیقت یکی بیشتر نیست و آن خداست؛ بقیه موجودات جلوه های او هستند و انسان ها می توانند جلوه تام خداوند باشند، به

شرطی که در عمل، از پیامبر صلی الله علیه و آله پیروی کنند. و البته چون خداوند ذات لایتناهی دارد، لذا خداگونه شدن انسان به معنای رسیدن انسان به مقام الوهیت نیست، بلکه به معنای نزدیک و نزدیک تر شدن او به مقام قرب الهی است؛ چنانچه در آیات معراج آمده است: *لَمْ دُنِي فَتَدَلَّى، فَكَانَ قَابَ قَوْسِينَ أوَ ادْنَى*.

پی نوشت

۱. برای توضیحات بیشتر در مورد هیوط انسان، به تفسیرهای امام خمینی (ره) ذیل آیات طرح شده در منبع زیر مراجعه شود: تفسیر قرآن کریم؛ برگرفته از آثار امام خمینی (ره). مقدمه، تحقیق و تعلیق؛ سیدمحمدعلی ایازی؛ زیر نظر آیت الله محمدهدایی معرفت. نشر عروج.

اما اتفاقی که برای آدم و همچنین حوا رخ داد این بود که نسبت به نهی خداوند از نزدیک شدن به شجره ممنوعه، بی اعتمایی کردن و لذا مقصد اصلی خود را که همانا خداگونه شدن بود گم کردن و به سطح پایین تری رضایت دادند: ... وَعَصَى آدُمْ رَبَّهُ فَغَوَى (طه: آیه ۱۲۱) و آدم، پروردگارش را نافرمانی کرد و لذا مقصد اصلی خود را نیز گم کردا

بر این اساس به مرتبه جدیدی هبوط کرد:

مرحله سوم میل به لذت آخرتی

آیا هر یک از آدمیان طمع دارد که در بهشت پر نعمت، در آورده شود؟! (معارج: آیه ۳۸)

این آیه نشان می دهد که همه آدمیان میل و شوق حضور در بهشت و بهره مندی از نعمت های آن را دارند. کما اینکه امیر المؤمنین علی (ع) در این باره فرموده اند: *الا و اتی لَمْ اَرَ كَالْجَنَّةِ نَامَ طَالِبِهَا!* هشیار باشید که من هرگز چیزی چون بهشت ندیده ام که مشتاقانش، اینچنین در خواب باشند!

جمع بندی

جمع بندی مطلب اینکه انسان، از میل به خداگونه شدن، به تدریج هبوط (افت، تنزل) کرد و تا بدینجا رسید که تمام هم و غمش رسیدن به لذت های دنیوی و تمتع از امکانات و فرسته های دنیا شد، و ما و شاگردان ما نیز همگی اینچنین گشته ایم. در شماره بعد، انشاء الله برخی ویژگی های دیگر انسان را بررسی خواهیم کرد.

مرحله دوم میل به عزمندی آخرت

هر کس عزّت و سربلندی می خواهد بداند که: سربلندی یکسره از آن خداست. وجود پاکیزه به سوی او بالا می رود و کار شایسته به آن رفعت می بخشد و کسانی که با حیله و مکر، کارهای ناشایست مرتكب می شوند تا به عزّت دست یابند، عذابی سخت خواهند داشت و نیرنگشان بی شمر خواهد بود. (فاطر: آیه ۱۰)

اما انسان در این مرحله نیز توقف نکرد و باز هم هبوط کرد، ولی این بار هبوط از یک مقصد آخرتی به مقصد آخرتی پایین تر!

مرحله پنجم (اسفل السافلین) میل به لذت دنیا

رَبِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنِ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْفَنَاطِيرِ الْمُقْنَطَرَةِ مِنِ الدَّلَهِ وَالْفَضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَمَّوَةِ وَالْأَعْمَامِ وَالْحَرْثُ ذَلِكَ مَنَعَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ (آل عمران: آیه ۱۴)

عشق و علاقه به خواستنی های گوناگون، از مسایل جنسی و اموال فراوان از زر و سیم و اسبهای نشاندار و دامها و کشتزار [ها] برای مردم آراسته شده است، لیکن اینها تماماً مایه تمتع و لذت و بهره مندی در زندگی دنیاست و [حال آنکه] فرجام نیکو نزد خداست (۱۴)

مرحله اول میل به مُلک جاودانه

پس شیطان به سراغ آدم و او را اینچنین وسوسه کرد: آیا می خواهی تو را به درخت جاودانگی و ملک فنانا پذیر، راهنمایی کنم؟ (طه: آیه ۱۲۰) اینچنین آدم، و به تبع او حوا، فریب خورد و به جای خداگونه شدن، به رسیدن به مُلک جاودانه، رضایت داد! و سپس از این مرحله نیز هبوط کرد:

مرحله چهارم میل به عزمندی در دنیا

مَنْ كَانَ يُرِيدُ شَوَّابَ الدُّنْيَا فَعِنَّدَ اللَّهِ شَوَّابَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (نساء: آیه ۱۳۴)

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِيْنَ أُولَئِكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِيْنَ أَيَّتَغُوْنَ عِنْدَهُمِ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ حَمِيْعًا (نساء: آیه ۱۳۹)

شمييم ستاره ها در

صديقه باقری
دبير دين و زندگی
منطقه ۶ تهران

نسمه رجب

علموا مَحَاسِنَ كَلَمَنَا لَا تَبْعُونَا (بحار الانوار / جلد ۲: ۱۵۱) یعنی رحمت خدا بر بندهای که امر ما زنده کند. (گفتند: امر شما چگونه زنده می شود؟) فرمود: دانش های ما را فرا گیرد و به مردم بیاموزد. اگر مردم به سخنان نیکوی ما آشنا شوند، قطعاً از ما پیروی می کنند).

پس زنده کردن امر ائمه بر ما تکلیف است، ولی ما کدام امرشان را زنده کرده ایم؟ با بیان کدام گفتار زبیا و دلنووازشان یا کدام رفتار تربیتی ایشان توانسته ایم دانش آموز امروزی را به سمت ایشان تشویق و ترغیب کنیم؟

بیاییم فقط به بیان یک سخن از این بهترین راهبران و رهنمایان اکتفا کنیم: امام باقر و امام صادق(ع) بارها توصیه و تأکید کرده اند:

کُوْنُوا لَنَا زَيْنًا وَ لَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا، یعنی مایه زینت ما باشید و باعث آبروریزی ما نباشید.

جهت ادای تکلیف و انجام وظیفه در قبال ایشان و عمل به این حدیث، راههای متعددی وجود دارد. به لحاظ اینکه در ماه رجب قرار داریم، بهتر است راهی متناسب با این زمان را بررسی کنیم.

یکی از راههای تحقق این توصیه تأکید این است که حداقل یکی از خصایل و فضایل اخلاقی پیشوایان معصومی را که ولادت یا شهادت آنها در این ماه واقع شده است الگو و سرلوحة امور و نسب العین خود در زندگی قرار دهیم:

فروردين و اردیبهشت امسال (۱۳۹۵ ش) مصادف است با ماه رجب؛ ماهی سرشار از مناسیت های شاد و فرح بخش. این ماه با ولادت مبارک امام باقر(ع) آغاز می شود و با عید مبعث خاتم الانبیا حضرت محمد(ص) پایان می یابد.

در نیمه اول این ماه خجسته، ولادت سه امام بزرگوار واقع شده است. امام باقر(ع)، اول رجب؛ امام جواد(ع)، دهم رجب؛ امام علی(ع) سیزدهم رجب. سالگرد شهادت دو امام دیگر نیز در این ماه است؛ امام هادی(ع) و امام کاظم(ع)، بیست و پنجم رجب. وفات حضرت زینب(س) نیز در پانزدهم رجب است. معمولاً ماه رجب را به خاطر دو عید بزرگ (تولد امام علی(ع) و مبعث رسول اکرم(ص)) بزرگ می داریم اما از مناسیت های دیگر در این ماه - چه شادی و چه عز- و بهویژه شهادت دو امام دیگر، به سادگی عبور می کنیم.

اما سوال اینجاست:

آیا وظیفه و تکلیف ما در قبال این ستارگان آسمان امامت و ولایت، فقط جشن گرفتن و شادی کردن به میمنت تولدشان یا سوگواری و مرثیه سرایی به مناسبت شهادتشان است؟ آیا تکلیف و وظیفه ای مهم تر و ضروری تر نداریم؟

برای پاسخ به این پرسش، اندکی تأمل در این سخن امام رضا(ع) ثمریخشن است:

رَحْمَ اللَّهِ عَبْدًا أَحِيَا أَمْرَنَا (قیل کیف یَحْتَیِ أَمْرَكُمْ؟
قالَ يَتَعَلَّمُ عَلَوْمَنَا وَ يَعْلَمُهَا النَّاسُ. فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ



بیاییم زینبی
باشیم. یعنی
همچون او زینت
پدران امت
اسلامی باشیم.
مانند او مخالف
ظلم و سنتیز
باشیم و با جهل
و ظلم پذیری
و جاہل و
ظالم پروری
مبارزه کنیم

از امام باقر(ع)، شکافنده علوم و سپس معلم بودن را بیاموزیم. دقت کنیم که ایشان فراتر از عالم بودند. باقر یعنی شکافنده. یعنی ما باید مانند ایشان در علمی که تدریس می کنیم - از درس های علوم پایه مانند فیزیک و شیمی تا درس های عمومی مانند زبان انگلیسی و ادبیات، ژرفاندیشی و پژوهش بنیادی کنیم و به دانش آموزان هم از سطح به عمق مطالب درسی رسیدن را بیاموزیم، تا نسلی اهل آندیشه و پژوهش پرورش باید نه نسلی که فقط مخزن دانسته ها شده است با دانش سطحی، محدود و ناپایدار.

از زینب(س) هم بیاموزیم که می توان علاوه بر زینت پدران خود بودن، زینت پدران امت اسلام نیز بود. به مصادق اینکه رسول اکرم(ص) به امام علی(ع) فرمود: یا علی، آنست و آنایروا هذه الأمة: ای علی، من و تو دو پدر این امت هستیم؛ توضیح اینکه: زینب (زین + اب) یعنی زینت پدر. آیا ما زینت پدران خود و نیز زینت پدران امت اسلامی - حضرت محمد(ص) و حضرت علی(ع) - هستیم؟

از امام کاظم(ع) کظم غیظاً و گذشت
از خطاهای دیگران را بیاموزیم. در
قرآن هم آن گاه که خداوند از وسعت
و عظمت بهشت سخن می‌گوید، در
ادامه، بعد از بیان اینکه چنین بهشتی
برای متقین آماده شده است، در
توصیف آنان صفاتی را برمی‌شمارد، از
جمله:

وَ الْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَ الْعَافِينَ
عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ
(آل عمران: ١٣٤).

همه خشم خود را فرومی برند
ز کس بد چو بینند از او بگذرند
چنین اند مردان شایسته کار
که باشد خداوندانشان دوستدار
با توجه به اینکه ما معلمان مسئولیت
آموزش و پرورش نسل امروز را - که
سازندگان فردای این میهن هستند - بر
عهده داریم، ضرورت تقویت و نهادینه
کردن این خصلت در وجودمان بیش از
پیش آشکار می شود.
قطعاً دبیران محترم این تجربه مکرر
را داشته اند که گاهی باید رفتاری
نسنگیده از دانش آموز را ندیده و
سخنی ناشایست را نشنیده گرفت.

در مورد رسول الله (ص) با توجه به اینکه خداوند می فرماید: **لقد کان لكم فی رسول الله اسوة حسنة... (احزاب / ۲۱)** و آن حضرت را **الگوئی نیک و برتر** به ما معرفی کرده است، پس برای عمل به این آیه، خصایص معلمی رسول خدا را **الگو** قرار دهیم و در این باره عمل به **حداائق** یک آیه و یک حدیث از پیامبر را سرلوحه کار خود قرار دهیم: **لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيزٌ عليه ما عنتم حريصٌ عليكم بالمؤمنين رؤوف رحيم (توبه / ۱۲۸)**.

رسولی ز جنس شما خاکیان
فرستاده گردیده در این میان
خورد غصه گر رنج‌هایی برید
بخواهد که ایمان به رب آورید
نجات شما را سخواهان به جان
رئوف و رحیم است بر مؤمنان

و بالآخرة این سخن معروف رسول خدا(ص) را
که فرمود: إِنِّي بَعَثْتُ لَأَنْتَمْ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ: (من)
مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را تمام گردانم) را
سر لوحه کار و زندگی خود قرار دهیم.

قابل ذکر است آیه و اینک لعلی خلق عظیم (قلم) ۴، مهر تأییدی است بر اینکه رسول خدا (ص) در تحقیق هدف فوای حقد، مفهوم بوده است.

پس بیاییم در این ماه مبارک با مخصوصانی که یادکرد و بزرگداشت‌شان در این ماه است عهد بیندیم که با الگو گرفتن از آنان، علاوه بر گام برداشتن در مسیر رو به رشد و تعالی شیعه راستین بودن، با پندار و گفتار و کرداری نشت گرفته از مکارم اخلاق، علاوه بر تحقق سفارش امام رضا(ع) واسطه‌ای باشیم برای جذب و جلب دل‌های پاک دانش‌آموزان بهسوی این بهترین راهنمایان و راهبران زندگی. قطعاً در اثنای تحقق

چنین هدفی، هدف دیگر، یعنی ایجاد انگیزه برای توجه دانش آموز به درس و جدیت او در یادگیری و گذراندن این درس با نمره بالا نیز محقق می شود. خدایا چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار (نظامی گنجوی)

با شناخت دقیق و صحیح واجبات و مستحبات در زمینه شغلی خود، از امام علی(ع)، عمل به این توصیه را بیاموزیم؛ «إذ أضررت النوافل بالفراش فارفعوها»؛ وقتی مستحبات به واجبات زیان رساند، مستحبات را ترک کن. از امام جواد(ع)، عمل به این سخن راهبردی و کاربردی را بیاموزیم: **الْمُؤْمِنُ يَحْتَاجُ إِلَى ثَلَاثِ خَصَالٍ: تَوْفِيقٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَاعْظَمَ مِنْ فَسَهَهُ، وَقَبْوُلَ مِمَّنْ يَنْصَحُهُ: مُؤْمِنٌ نَيَازٌ مَنْدُو سَهْ خَصَّلَتْ أَسْتَ: تَوْفِيقٍ از طرف خداوند متعال، واعظی از درون خود، قبول و پذیرفتن نصیحت از کسی که او را نصیحت کند.**

از امام هادی(ع) این سخن هدایتگر و روشنگر را بیاموزیم و به دانش آموزانمان نیز آموزش دهیم؛ اذکر حسّرات التّغفیریط باخذ تقدیم الحَزَم (میزان الحکمة/ ۷: ۴۵۶)؛ حسرت خوردن بر سهل انگاری ها و کوتاهی های گذشت هات را با گرفتن تصمیم و اراده قوی جیران کن.

* پی نوشت

- توجه دانشآموز به درس و جدیت او در یادگیری و گذراندن این درس با نمره بالا نیز محقق می شود. خدایا چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار (نظامی گنجوی)



هنر معلمی یک معلم هنر

هوشنگ شرقی

دیبر ریاضی

و مدیر داخلی مجله برهان متواتر ۲

روایتی از هنر معلمی معلم هنر ما

ابتدای کوچه شمالی و نبش خیابان هاشمی بود در حال حاضر مدرسه شهید سید جلال شرق آزادی نام گرفته است. اینجا همان جایی است که در مهرماه سال ۱۳۵۷ فریاد انقلاب از آن برمی خاست و روزی نبود که صدای شعارهای مختلف پچه‌ها در زنگ‌های تفریح از حیاط مدرسه بلند نشود بدون اینکه وجود کامیون نظامی پر از سرباز که رو به روی مدرسه توقف کرده بود کوچک‌ترین هراسی به دل آن‌ها بیندازد. حالا پچه‌ها اولین مهر آزادی را در مدرسه آزادی تجربه می‌کردند. روزهای پنج‌شنبه بعداز‌ظهر، زنگ آخر، کلاس هنر داشتیم. آخرین روز هفت‌هه، آخرین ساعت، پچه‌های شر و شیطان آن موقع، در یکی از محلات جنوب شهر و یک خانم

مهرماه ۱۳۵۸ بود. خیابان هاشمی، کوچه مدرسه‌ها، مدرسه راهنمایی آزادی. آن‌هایی که خیابان و محله هاشمی را می‌شناختند، مخصوصاً قدیمی‌ها، غیرممکن بود که «کوچه مدرسه‌ها» را نشناستند. این کوچه در واقع دو کوچه روبروی هم بود که هر یک برای خود اسمی داشتند ولی به دلیل اینکه یک ضلع هر دو کوچه را مدارس مختلف (ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان - دخترانه و پسرانه) پر کرده بودند و از این حیث شاید بی‌نظیر بودند - و البته هنوز هم هستند - از قدیم به کوچه مدرسه‌ها معروف بود. مدرسه ما مدرسه راهنمایی شهید بود که بعد از انقلاب به آزادی تغییر نام داد. در این مدرسه که

معلم جوان و کم تجربه! همه این‌ها کافی بود برای آنکه، به قول معروف، کلاس روی هوا باشد و تنها کاری که انجام نشود درس و آموزش باشد؛ آن هم درس کم اهمیت و دست چندمی به نام هنر! اما قبل از آنکه معلم هنر، که او را همه مدرسه به نام «خانم تابعی» می‌شنختند، وارد کلاس ما شود، همه ما می‌دانستیم که اصلاً نباید چنین تصوراتی را به خود راه دهیم! و این را از چههای قدیمی‌تر، از سال‌های قبل شنیده بودیم، اگرچه خودمان حالا کلاس سوم راهنمایی بودیم، ما از وقتی که وارد آن مدرسه شده بودیم از او و کارهایش شنیده بودیم و آرزو می‌کردیم روزی معلم کلاس ما شود. می‌گفتند خانم تابعی با همه معلم‌ها، و به خصوص با خانم‌های معلم، تفاوت دارد، و همین‌طور بود؛ چون وقتی وارد کلاس‌مان شد، در همان جلسه اول، این تفاوت به وضوح آشکار شد. شیوه معلمی او، اخلاق رفتار او با دانش‌آموزان و نوع نگاهی که به کارش داشت خیلی با سایر معلمین متفاوت بود. آن‌ها که جو غالب فضای مدارس آن زمان را دیده‌اند و به یاد دارند، می‌دانند که رفتار توازن با احترام و محبت نسبت به دانش‌آموزان، به خصوص با دانش‌آموزان پایین‌تر، در آن سال‌ها چه کیمیایی بود.

از این رو بود که بچه‌ها قدر خانم تابعی را به خوبی دانستند. آن‌ها که به کوچک‌ترین بهانه‌ای کلاس را به هم می‌ریختند و دنبال کمترین فرصت برای فرار از کلاس و مدرسه بودند، چنان حرمتی برای خانم تابعی قائل شدند که وصف ناشدنی است. نه تنها خودشان کمترین بی‌احترامی به او نمی‌کردند بلکه آماده بودند تا بشنوند چه کسی کوچک‌ترین بی‌احترامی به او کرده است تا حقش را کف دستش بگذارند! حتی بعضی بچه‌ها، بعد از تعطیلی مدرسه، او را تا چند صد متری مدرسه مشایعت می‌کردند تا مباداً کمترین مشکلی برای او در مسیر بازگشت رخ دهد. از آن معلم‌هایی بود که، به قول شهید رجایی، معلمی عشق و هنر شود. به نظر خودم هنر معلمی خانم تابعی بالاتر و بالاتر از معلمی هنر شود. در کلاس او، همراه با انواع شاخه‌های هنر و از جمله نقاشی که تخصص اصلی اش بود، بسیاری کارهای دیگر هم انجام می‌شد؛ از دکلمه گرفته تا بحث سیاسی (که آن روزها بسیار رایج بود)، تا داستان‌گویی و اجرای نمایش و شعرخوانی تا تهیه روزنامه دیواری که در آن زمان بیشتر از امروز رایج بود. من هنوز هم در حیرتم که ما همه این کارها را چه‌طور در یک جلسه در هفته انجام می‌دادیم و اصلاً هم خسته نمی‌شدیم! شاید باور نکنید که دسته‌جمعی پیش مدیر مدرسه رفتیم و از او خواهش کردیم اگر ممکن است کلاس هنرمان دو جلسه در هفته باشد!



دسته‌جمعی پیش مدیر مدرسه رفتیم و از او خواهش کردیم اگر ممکن است کلاس هنرمان دو جلسه در هفته باشد!

آوازه رفتار و کردار خانم تابعی، این معلم نمونه و محبوب، تا درون خانه‌های آن محله محروم نیز رفته بود. کوچه‌های تنگ و باریک و پر از خانه‌های کوچک چسبیده به هم، شاهد بودند که چندین بار خانم تابعی برای سرزدن به خانواده‌های بچه‌ها و رفع مشکلات ریز و درشت آن‌ها به خانه‌هایشان رفتته بود. اخیراً که او را یافتم و از آن روزها یاد کردیم گفت: کم‌کم احساس می‌کردم که به یک مددکار اجتماعی تبدیل شده‌ام! بله. بچه‌های آن محل در آن سال‌ها مشکلات و مسائل بسیاری داشتند و از معلم دلسوز و درد آشنازی چون او بعید بود که به این مشکلات بی‌توجه باشد و فقط به کار خودش سرگرم شود. بچه‌هایی داشتیم که بسیاری‌شان مجبور بودند تا کمک به امارات معاش خانواده، قبل و بعد از مدرسه سرکار بروند. بسیاری از آن‌ها از تغذیه مناسبی برخوردار نبودند و بسیاری هم از مشکلات عاطفی رنج می‌بردند و همیشه اثر اشک و آه را در چهره‌های رنجورشان می‌شد دید.

حروف‌های خانم تابعی در کلاس درس به یاد ماندنی بود. خودش از این مشکلات و درد و رنج‌ها می‌گفت و از احوال‌ها و اینکه چه باید کرد؟! بچه‌ها هم که بیشترشان در انقلاب شرکت کرده بودند و با هزاران امید و آرزو منتظر بودند تا مشکلاتشان حل شود مشتاقانه به این سخنان امیدبخش گوش می‌دادند و همان‌ها بودند که در سال‌های بعد

نقاشان ایران است و در چندین نگارخانه و برخی مدارس و نیز فرهنگسرای ارسیاران کلاس نقاشی دارد و بیش از چهل سال سابقه آموزش نقاشی در مقاطع مختلف دارد. با این اطلاعات حدس زدم که به احتمال زیاد باید خودش باشد. بالاخره دل را به دریا زدم و روز پنجم شهربورن ماه سال گذشته به فرهنگسرای ارسیاران رفتم تا خانم تابعی نامی را که آن روز در آن جا کلاس داشت ببینم. در نظر اول او را نشناختم ولی تأمل کردم. موضوعی را بهانه کردم و از ایشان در این باره سؤال کردم. به محض اینکه شروع به پاسخ کرد، یقین کردم که گمشده خودم را یافته‌ام، زیرا فقط همان خانم تابعی ما بود که حتی در پاسخ به کسی که او را ندیده بود و نمی‌شناخت این گونه با حوصله و بدون توجه به گذشت زمان توضیح کافی می‌داد! نمی‌دانم چند دقیقه از توضیحات وی، در پاسخ به سؤال من، گذشت که صحبت‌ش را قطع کردم و گفتمن: خانم تابعی! آیا شما در سال‌های نخست انقلاب در مدرسه راهنمایی آزادی در خیابان هاشمی درس نمی‌دادید؟! گفت: بله من همانم، شما کی هستید؟! بی اختیار اشک به چشمانم آمد و گفتمن: من شاگرد شما بودم! شاید باورش برایتان مشکل باشد اگر بگوییم پس از چند دقیقه صحبت بامن، اولین چیزی که پرسید این بود که: «از علیرضا نوروزی خبری نداری؟»

نوروزی پسر بچه لاغر و تکیدهای بود که پدرش معتقد بود و مادرش با رخت‌شویی در منازل مردم خرج زندگی‌شان را درمی‌آورد و من چند بار به خانه‌شان سرزده بودم!

بگذریم: سر مست بودم از اینکه به آرزویم رسیده‌ام و حالا بعد از سی و پنج سال توانسته‌ام معلم خوبیم را بیابم و از او قدردانی کنم بعد از خداحافظی، این پیامک را برایش فرستادم: «درود بیکران بر معلم راستین زندگی‌ام که یک روز، در آغاز نوچوانی‌ام، زندگی را برایم معنی کرد و اکنون امروز در تقویم زندگی‌ام جاودانه کرد!» اکنون این نوشتة را تقدیم او می‌کنم.

حیفم آمد که در انتهای این مقال یادی از همکلاسی و هم نیمکتی ام در کلاس خانم تابعی نکنم. پس رکی سبز چشم و بلند قامت با قلبی به صافی آب زلال، آرام، مهربان و عاطفی: سعید لواف. با اینکه خانه‌شان در خیابان دامبیزشکی و در نزدیکی مدرسه بود، اما بعد از پایان سال تحصیلی دیگر او را ندیدم تا اینکه در یکی از روزهای آخر سال ۶۲ حجله‌اش را کنار خانه‌شان دیدم با این عبارت: «شهید سعید لواف؛ شهادت اسفندماه

۱۳۶۲؛ عملیات خیر»

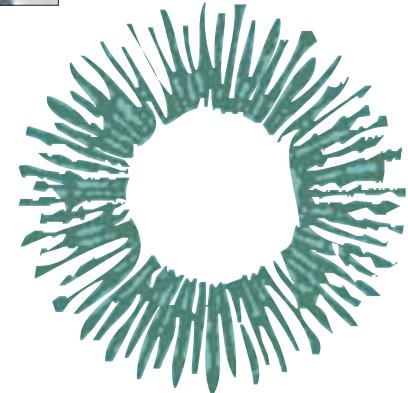
روحش شاد!



حافظ انقلاب و کشورشان شدند. یاد آن روزها به خیر، غروب‌ها که به خانه برمی‌گشتم، بیشتر روزها، سرودی در برنامه کودک و نوجوان تلویزیون پخش می‌شد که ترجیع بند آن این بیت بود:

**روزها کوشم و شب نخوابم
پاس می‌دارمت، انقلابیم**

از مهرماه سال ۱۳۶۵ که با ساعتی ۳۰۰ ریال حق التدریس! به کلاس درس رفتم تا امروز، یکی از معلماتی که راه و روش و منش او را الگوییم قرار داده‌ام، خانم تابعی است. همواره سعی کرده‌ام به جز معلمی ریاضی که حرفه‌ام است، به مشکلات و مسائل دانش‌آموزانم هم توجه داشته باشم، به آن‌ها احترام بگذارم و با آن‌ها دوست باشم. به همین خاطر همواره خیلی دوست داشتم خانم تابعی را یک بار دیگر ببینم و بابت دینی که به گردن من و همه مایجه‌های آن محله در آن سال‌ها داشت، لاقل از او سپاس‌گزاری کنم. سال‌ها گذشت و پرس‌وچهایم نتیجه نداد. او را نمی‌یافتم. چگونه باید می‌یافتم؟ سرانجام اینترنت کارگشا شد. بله، به مدد اینترنت و توسعه آن، البته باز هم با دشواری بسیار، هنرمندی نقاش به نام «فریماه تابعی» را یافتم. باز مطمئن نبودم که او همان معلم خوب ما باشد، چون سی و چند سال گذشته بود و نمی‌توانستم از روی عکسی که از ایشان در اینترنت بود معلم خوبیم را شناسایی کنم. در اینترنت او را متولد ۱۳۳۵ و فارغ‌التحصیل رشته نقاشی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران معرفی می‌کرد که از سال ۱۳۵۲ نقاشی را شروع کرده است و بارها و بارها گالری‌ها و نمایشگاه‌های نقاشی خود را در داخل و خارج از کشور بپیکرد. همچنین نشان می‌داد که او عضو انجمن



پس از مذاکراتی طولانی و پایداری مردم در برابر فشارهای بین‌المللی،
جهان حق مسلم ایران در برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای را پذیرفت

برمدادار پیروزی

مجید کاظمی

برای بسیاری از کارشناسان، در برنامه هسته‌ای، درک رفتار متناقض قدرت‌های جهانی در برابر برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران مسئله‌ای بغرنج و پیچیده است. دادن امتیازهای متواالی به رژیم توتالیتی شاهنشاهی در برنامه هسته‌ای از یک سو و در ادامه عدم پاییندی به تعهدات در پی پیروزی ملت عظیم‌الشان ایران اسلامی چیزی نیست که بتوان به همین راحتی از آن گذشت. در این نوشتۀ می‌خواهیم تاریخ قلاش برای هسته‌ای شدن ایران را به شکلی منسجم ولی خلاصه مرور نماییم.



ادامه در صفحه بعد



آمریکاولین رآکتور
تحقیقاتی ۵ مگاواتی آب
سبک را به ایران فروخت
و شرکت آمریکایی
ای ام اف این رآکتور را
در دانشگاه تهران نصب و
رواه اندازی کرد.

۱۳۴۶



۱۳۷۷

کارساخت مجتمع تأسیسات
آب سنگین اراک آغاز گردید
تمامی مراحل طراحی و اجرای
آن توسط متخصصان ایرانی
انجام شد.



طراحی و ساخت رآکتور تحقیقاتی
صرف قدرت آب سنگین در
دستورکار قرار گرفت. قدرت
این رآکتور ۱۰۰ واتی بانظارت
چنی‌ها پیمانکاری شرکت‌های
ایرانی در اصفهان طراحی گردید.
این رآکتور مجموعه‌ای از سوخت
اور ایتم طبیعی فلزی با کندکنندگی
آب سنگین و بازتابنده گرفت
محسوب می‌گردید.

۱۳۶۴



در نشست مشترک وزاری خارجه سه کشور
اروپایی و هیئت ایرانی که در تهران، بیانیه
سعاد آباد امضا گردید. در این بیانیه ایران
برای بازدید بازرسان آژانس اعلام همکاری
کرد و گازدهی در سانتریفیوژهای نطنز را در
راستای راضی آزمایی و اثبات صلح آغاز
بودن فعالیت هسته‌ای ایران، بصورت
داوطلبانه و برای مدت محدود تعیق کرد.
انگلیس و فرانسه نیز متعهد شدند تا از ارجاع
پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل
جلوگیری کنند.

۱۳۸۲

قرارداد تکمیل و راه اندازی واحدیک
نیروگاه انتی بوشهر به صورت مشارکتی
بین ایران و روسیه منعقد گردید. همچنین
رآکتور تحقیقاتی مینیاتوری با هدف
توسعة آموزش علوم و فنون هسته‌ای،
آنالیز مواد و تهیه رادیواپزوتوب برای
استفاده در فعالیت‌های آموزشی و
پژوهشی ساخته شد.

۱۳۷۳

۱۳۸۱

دانشمندان پرتوالش
ایرانی توانستند
سوخت هسته‌ای
موردنیاز نیروگاههای
هسته‌ای را تهیه کنند.

۱۳۸۷

قطع نامه ۱۸۳۰ علیه حق
مسلم ایران در انرژی
هسته‌ای صادر گردید.

۱۳۸۸

قطع نامه ۱۹۲۹ علیه
شرکت‌های تجاری و
سازمان‌های نظامی در
ایران صادر گردید.

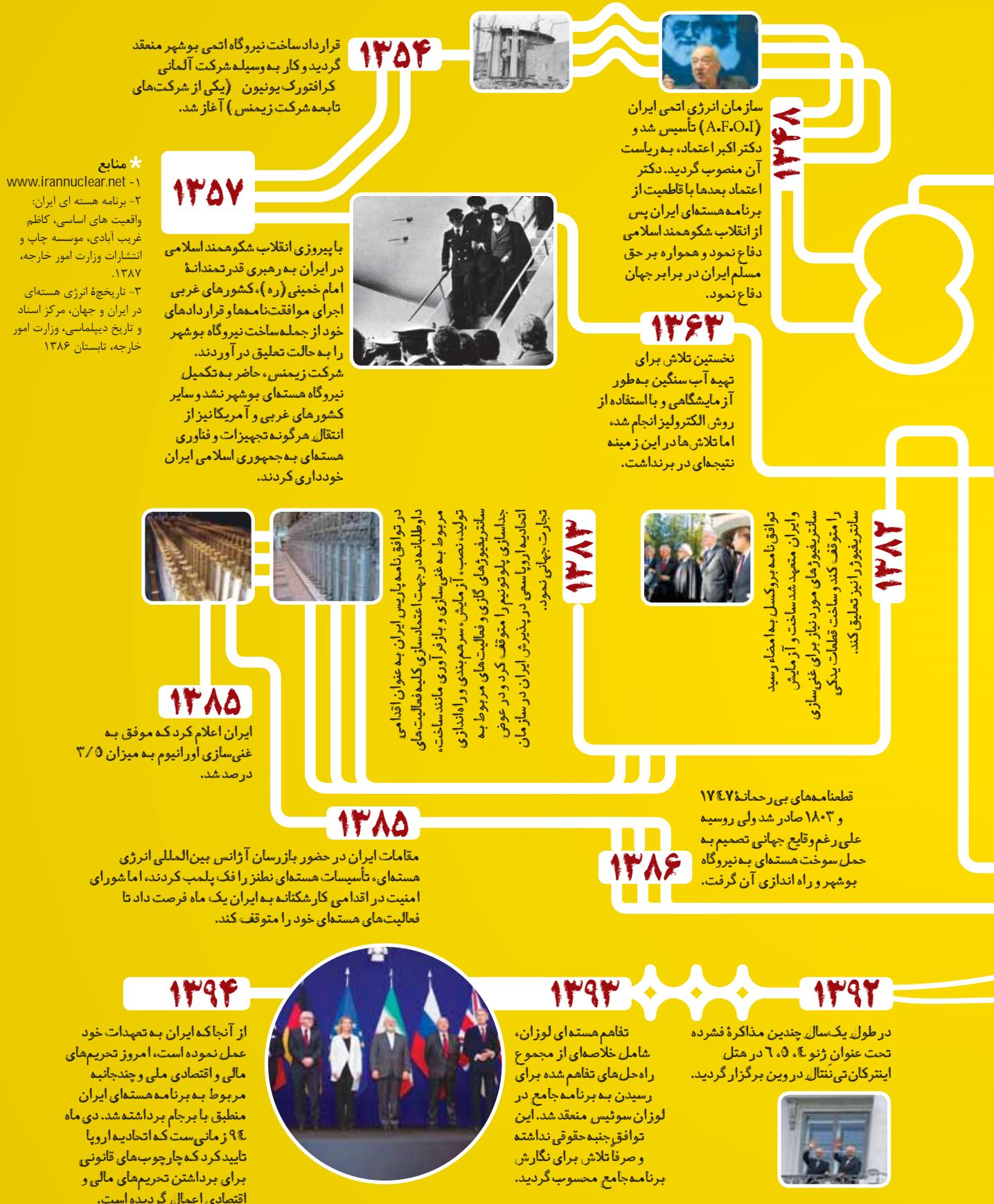
۱۳۹۰

مکانیکی
تدریجی
شون، از
هسته‌ای
و بولتیکی
دستگاه
آزاد



مذکرات نیویورک؛ اولین مذکره هسته‌ای ایران با
قدرت‌های جهانی پس از به قدرت رسیدن حسن روحانی بود
به شکلی کوتاه و به مقدار ۳۰ دقیقه در خلاص سفر به مجمع
عومی سازمان ملل انجام شد. اهمیت این دور از مذکره
بیشتر بدلیل ارتقای مذکرات در سطح وزیران خارجه
اعتمادسازی بسیاری را در جهان بوجود آورد.

۱۳۹۲



روش برد-برد

تجربه یک دبیر ریاضی برای مدیریت کلاس

رقیه پیلهور

دبیر ریاضی ناحیه ۲ اردبیل

کلاس‌های به یادماندنی که هم دوستشان دارید و هم انرژی زیادی را در آن باید صرف کنید.

من یک سال چنین کلاسی را داشتم. هر جلسه با جدیت تمام وارد کلاس می‌شدم، ولی شوخ طبعی بچه‌ها خیلی بیشتر از جدیت من بود. ترم اول، از شب قبل تصمیم گرفته بودم فردا در آن کلاس حتی لبخند هم نزن زیرا تا وقتی من جدی بودم، کلاس هم آرام‌تر بود و بچه‌ها زیاد جرئت تکه‌پرانی نداشتند، اما وقتی در کلاس را باز کردم، نمی‌دانید با چه صحنه‌ای روبه‌رو شدم! همیشه در کلاس من کنار تخته یک اسکلت وجود داشت. بچه‌ها به تن او پالتون پوشانده بودند و شال و کلاه برایش گذاشته بودند. با مازیک قرمز هم کمی دور لبیش را نگی کرده بودند.

با دیدن این صحنه یکه خوردم. اگر می‌توانستم با صدای بلند قهقهه می‌زدم، ولی نمی‌توانستم. در ظاهر به خودم مسلط شدم و نخنیدیدم، ولی همه‌جایی که ته دلم داشتم، از بین رفت. چون در وجودم داشتم می‌خنیدیدم. در ظاهر بدون توجه به صحنه‌ای که بچه‌ها درست کرده بودند، رفتم سمت میزم و نشستم و کارهای اولیه دفتر حضور و غیاب را شروع کردم. بچه‌ها گفتند خانم این طرف رانگاه کنید. اولش توجهی نکردم، ولی آن‌ها دست بردار نبودند. خواستم یک بار نگاه کنم تا ببینند که برایم مهم نیست، ولی زهی خیال باطل! تا چشمم به آن افتاد، دیدم سر اسکلت و دهانش را طوری تنظیم کرده‌اند که انکار دارد بالبخند مرا نگاه می‌کند. اینجا بود که نتوانستم خودم را نگه دارم و لبخند زدم و این شد که همه کلاس از خنده منفجر شد.

با این اتفاق فرمیدم کنترل کلاس فقط از طریق من نمی‌تواند انجام بگیرد، بلکه باید با مشارکت خود بچه‌ها این

آیا تا به حال بدقلق‌ترین، شلوغ‌ترین، شوخ طبع‌ترین، بازمدهترین و زرنگ‌ترین دانش‌آموز کلاس را داشته‌اید؟

تا حالا شده است تدریس در کلاسی برایتان زجر آور باشد؟

تا حالا شده است اکثریت دانش‌آموزان در کلاس تکه‌پرانی کنند؟

تا حالا شده است دانش‌آموزی سؤالی بپرسد و دیگران او را به‌خاطر آسانی سؤالش سرزنش کنند؟

تا حالا شده است دانش‌آموزی از شما سؤال پرسد و دانش‌آموزان دیگر بدون اینکه به شما فرصت پاسخ‌گویی دهند، سعی کنند به او پاسخ دهند و او را گیج کنند؟

تا حالا شده است دانش‌آموزان در حضور معلم با هم در گیر شوند و به هم‌دیگر فحش و ناسزا بگویند؟

تا حالا شده است دانش‌آموزان در کلاس حرف هم‌دیگر را قطع کنند و به هم‌دیگر احترام لازم را نگذارند؟

تا حالا شده است با همه‌جایی که در کلاس به خرج می‌دهید، مزه‌پرانی دانش‌آموزان آنقدر بازم و خنده‌دار باشد

که خود شما را هم بخنداند؟ و این مزه‌پرانی‌ها یکی دو تا نباشد، بلکه هر جلسه تکرار شود و با وجود تذکرات، تداوم داشته باشد؟

تا حالا شده است به دانش‌آموزی با جدیت تمام تذکر دهید و اخزم کنید و دانش‌آموز در جواب جمله‌ای بگوید که تمام اخمامی شما باز شود و خودتان خنده‌تان بگیرد؟

به نظرتان چنین کلاسی را چطور باید کنترل کرد؟ آن هم در صورتی که طبق همه کلاس‌ها قوانین کلاس را در همان اویل مهر و در اویلین جلسه توضیح داده باشید.

منظورم این است که یک کلاس استثنایی داشته باشد؛ کلاسی که شاید در تمام طول خدمت نداشته‌اید. تقریباً از آن



برنده» را اجرا کنم.

ترم دوم در همان جلسه اول، قوانین کلاس و انتظارات خودم را به دانشآموزان یادآور شدم. به آن‌ها گفتم که ما در کلاس شما چنین مشکلی داریم و خیلی از شما قوانین را رعایت نمی‌کنید. بنابراین، از خود شما راه حل می‌خواهیم. به‌نظر شما، اگر کسی قوانین کلاس را رعایت نکرد، باید با او چه رفتاری بکنیم؟ بچه‌ها بعد از چند لحظه سکوت یکی‌یکی شروع به دادن پیشنهاد کردند.

۱. تنبیه بدنه
۲. اخراج از کلاس
۳. جریمهٔ نقدی
۴. دادن نمرهٔ منفی
۵. سر پا ایستادن در کلاس
۶. دادن تمرين زیاد و ...

همهٔ پیشنهادها را بدون اظهار نظر و قضاوت در پای تخته نوشتیم؛ چه نظرات قابل اجرا و چه نظرات خنده‌دار و غیر عملی را پیشنهادهای خودم را هم نوشتیم. بعد به دانشآموزان گفتیم: حالانویت می‌رسد به انتخاب بهترین پیشنهادها. نظرات غیر عملی و غیرمعقول را حذف کردیم تا جایی که چهار یا پنج مورد باقی ماند.

روی یک ورق کاغذ، ابتدا همهٔ قوانین کلاس و انتظارات خود از دانشآموزان را نوشتیم. بعد هم طریقهٔ برخورد با کسانی را نوشتیم که قوانین کلاس را رعایت نمی‌کنند. تک‌تک دانشآموزان ورقه را با نوشتند نام خود امضا کردند. این قرارداد تفاهمنامه‌ای شد بین من و دانشآموزانم و آن را روی تابلوی اعلانات کلاس نصب کردیم.

ناگفته نماند، بین قوانین کلاس‌بندی هم قراری گذاشتیم که طبق آن، هر جلسهٔ کلاس پنج یا هد دقيقه وقت آزاد داشته باشد تا بتوانند در آن وقت انرژی خود را خالی کنند. بالاخره کلاسی با دانشآموزانی پر انرژی به چنین وقت آزادی نیاز دارد.

از جلسه بعد، راحت بودم. چون قوانین را خود دانشآموزان وضع کرده بودند، همه احساس مسئولیت می‌کردند. حالا تقریباً یک کلاس ایده‌آل داشتم. جلسه اول همه قوانین را رعایت کردند، ولی در جلسه دوم یکی دو نفر آن را زیر پا گذاشتند. جالب این است که خودشان بدون هیچ مقاومتی طبق قرارداد عمل کردند و تنبیه را پذیرفتند؛ چون در این کلاس هیچ بازندهای وجود نداشت.

کار را انجام دهم و خودم فقط نوعی هدایتگر باشم. یادم هست در مجله‌ای که در همین دوره‌های ضمن خدمت خواندم، یک راه حل برای کلاس‌هایی خوانده بود؛ روش «برنده برنده». من این روش را در یکی از کلاس‌ها اجرا کردم، ولی انرژی نهفته کلاس امسالم ده برابر آن کلاس است. نمی‌دانم برای این کلاس هم مؤثر خواهد شد یا نه؟

طبق صحبت‌های گوردون، در کتاب «فرهنگ تفاهی در مدرسه» سه روش برای حل کشمکش‌ها وجود دارد که روش‌های اول و دوم آن روش‌های برد و باختی هستند.

روش اول: معلم سعی می‌کند با قدرت کشمکشی را به نفع خود حل کند (برد با او باشد). در این روش، غالباً معلم انگیزه‌هایی برای عمل به راه حل ندارد و برنده باید به شدت روی انجام عمل تأکید کند. «من نصف کلاس‌م را مثل پلیس‌ها می‌گذرانم». این روش جلوی رشد خود مسئولیتی و خود جهت‌دهی را می‌گیرد و باعث به وجود آمدن واستگی نیاز به گفتن آنچه باید انجام شود، می‌شود. به‌طور کلی، استفاده مکرر از این روش به بازنده‌گی دانشآموزان می‌انجامد.

روش دوم: معلم بازنده و دانشآموزان برنده هستند. در این روش، معلم نتیجهٔ مطلوب کمتری نصیبیش می‌شود. اوست که به نیازهایش نمی‌رسد، رنج می‌برد و نمی‌تواند کارش را بکند. تدریس زجرآور می‌شود و حتی گاهی به صورت کابوس در می‌آید.

روش سوم: (برنده - برنده): گوردون روش سوم را بدون باخت و حل تعارض یا کشمکش‌ها می‌داند. طبق نظر وی، «سه افراد در گیر کشمکش برای یافتن راه حلی که برای هر دو طرف طرف قابل پذیرش باشد، به هم می‌پیوندند و راه حلی می‌یابند که لازمه‌اش باخت هیچ‌کس نباشد.»

این روش یک فرایند است؛ فرایندی گام‌به گام که در نهایت بچه‌ها به حل اختلاف می‌رسد. گوردون شش مرحله این فرایند را چنین بیان می‌کند:

۱. مشخص کردن مسئله
 ۲. یافتن راه حل‌های ممکن
 ۳. ارزشیابی راه حل‌ها
 ۴. انتخاب بهترین راه حل
 ۵. تصمیم‌گیری برای به عمل درآوردن آن
 ۶. ارزیابی اندازه تأثیر حل شدن اختلاف
- بنابراین، من تصمیم گرفتم از ترم دوم این روش «برنده -



بهینه‌سازی مصرف
آب و انرژی می‌تواند به
مسئله‌ای جمعی که حل آن
نیازمند همکاری و تلاش
همگانی است تبدیل شود

در اختیار خانواده‌ها نیز قرار گیرد. برای اجرای چنین طرحی می‌توان فهرستی از مسئله‌های واقعی مدرسه تهیه کرد و برای هر مسئله راه حل‌های احتمالی را با توجه به شرایط وامکانات مدرسه در نظر گرفت. فهرست مسئله‌های مدرسه‌ها ممکن است از بودجه درآمدی مدرسه و به عبارتی از جیب والدین دانش‌آموزان پرداخت می‌شود. شاید به نظر برسد که دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان می‌توانند مدیریت آن تلقی کنند اما واقعیت این است که به هر حال مدرسه ناگزیر است هرگونه هزینه‌ای را از محل شهریه‌های دریافتی تأمین کند. بنابراین موضوع بهینه‌سازی مصرف آب و انرژی در یک مدرسه یا مجتمع آموزشی غیردولتی می‌تواند به مسئله‌ای جمعی که حل آن نیازمند همکاری و تلاش همگانی است تبدیل شود. البته چنین هدفی تنها با رویارویی صادقانه و شفاف‌سازی، در ارائه درآمدها و هزینه‌ها به ذینفعان یعنی دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان، و مهم‌تر از آن تعریف منافع مشترک هنگام دستیابی به اهداف مشترک امکان‌پذیر است. اگر دانش‌آموزان و خانواده‌ها بدانند در صورت همکاری با مدرسه در اجرای طرح‌ها علاوه بر حس خوب مشارکت در یک فعالیت جمعی مبتنی بر محافظت از محیط زیست، به همان نسبت از منافع حاصل از کاهش هزینه‌ها نیز بهره‌مند خواهند شد، رغبت آن‌ها به مشارکت خانواده‌ها و نیز برنامه‌ریزی برای صرف بودجه، تأمین تمام هزینه‌های این مدارس به لحاظ قانونی به عهده دولت است و نزاع مدارس بر سر پرداخت هزینه‌هایی چون قبض‌های آب و برق، می‌تواند نزاعی داخلی باشد و در نهایت با هماهنگی میان دو

وزارت خانه بطرف شود.اما مدارس غیردولتی به شکلی دیگر با این مسئله سروکار دارند، زیرا تمام هزینه‌ها مستقیماً از بودجه درآمدی مدرسه باشند.

مسئله‌ها و آن راه حل

لیست بازدید

طی سلسله بحث‌های مرتبط با بهینه‌سازی مصرف آب، تاکنون از شرایطی سخن گفته‌ایم که دست‌اندر کاران مدرسه را می‌تواند به سمت ترسیم مسئله‌های واقعی و حل آن‌ها به دست دانش‌آموزان بکشاند، اما واقعیت آن است که تأمین بودجه برای مدارس دولتی به هر حال بر عهده دولت است. یعنی علیرغم تسام کم‌بودها و نیاز مدارس به کمک خانواده‌ها و نیز برنامه‌ریزی برای صرف بودجه، تأمین تمام هزینه‌های این مدارس به لحاظ قانونی به عهده دولت است و نزاع مدارس بر سر پرداخت هزینه‌هایی چون باشد و در نهایت با هماهنگی میان دو

بررسی تمام شیرآلات مدرسه و بهینهسازی استفاده از آنها از طریق تعویض یا مراقبت‌های دوره‌ای؛

بررسی تمام لوازم برقی شامل لامپ‌ها، سیستم گرمایشی - سرمایشی مدرسه، کامپیوترها و تجهیزات وابسته، لوازم آبدارخانه و... و بررسی توان مصرفی هر سیله و امکان بهینه کردن استفاده از آن و یا در صورت نیاز حذف یا تعویض آن؛

تهریه نقشه مدرسه و یافتن جاهایی که انرژی از آنها هدر می‌رود؛

بررسی میزان استفاده از انواع کاغذ در مدرسه و برنامه‌ریزی برای بالا بردن بهره‌وری آن؛

تفکیک زیاله در مدرسه و بازیافت زیاله‌های قابل بازیافت در مدرسه، به‌طور مثال استفاده از باقی‌مانده میوه و مواد غذایی برای تبدیل آنها به کود در باعچه‌های مدرسه و یا استفاده از زیاله‌های خشک دوری‌یختنی برای کلاس هنر و خلاقیت که حتی می‌تواند در پایان سال به صورت نمایشگاه عرضه شود.

تشکیل جلسه‌ای در ابتدای سال تحصیلی و توجیه دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان قبل از هر اقدامی!

این آسان‌تر بودن یک شرط دارد: تشکیل جلسه‌ای در ابتدای سال تحصیلی و توجیه دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان قبل از هر اقدامی!

نکته دیگر این است که مشارکت در چنین طرحی، بهویژه برای والدین و معلمان باید داوطلبانه باشد. در مورد دانش‌آموزان می‌توان چنین فعالیت‌هایی را در قالب درس‌هایی چون پژوهش و یا دیگر برنامه‌های متدالوی در مدرسه تعریف کرد و

داد.

بخشی از ارزشیابی نهایی را به این امر اختصاص داد. در طی سال تحصیلی مدیر مدرسه می‌تواند از طریق تشکیل جلسات ماهانه با داوطلبانی که در این طرح مشارکت کرده‌اند، علاوه بر پیگیری اجرای طرح‌ها، با مطرح کردن دستاوردهای حاصل، انگیزه‌های افراد را افزایش دهد. در پایان سال وقتی فهرست کارهای انجام شده، تغییر در هزینه‌های مصرف آب و انرژی و نیز دستاوردهای تربیتی و آموزشی طرح در آخرین جلسه عنوان می‌شود، رضایت حاصل از مشارکت در چنین طرحی با هیچ دستاوردهای دیگری برای نخواهد کرد.

هریک از مسئله‌های بالا می‌تواند تحت مدیریت یکی از بزرگ‌ترهای معلمان یا مربیان یا اولیای دانش‌آموزان، به پروژه‌های کوچک تری تقسیم و توسط گروههای دانش‌آموزی اجرا شود.

این مسئله در مدارس غیردولتی به یک معنای دیگر نیز واقعی تر از مدارس دولتی است: مدیر یک مدرسه غیردولتی، نسبت به همتای خود در مدارس دولتی، اختیارات بیشتری در زیرساخت‌های موجود و تأمین تضمیم‌گیری برای تغییر در زیرساخت‌های موجود و تأمین هزینه‌های لازم برای ایجاد این تغییرات دارد. به این معنایه برگزاری و گنجاندن مباحث مرتبط با اصول صحیح مصرف برنامه درسی و این مباحث به کل برنامه درسی مدرسه، کردن و یا وارد کردن این مباحث به در یک مدرسه غیردولتی آسان‌تر از مدارس دولتی است. البته

مدیر مدرسه می‌تواند از طریق تشکیل جلسات ماهانه با مطرح کردن دستاوردهای افراد را افزایش دهد

تشکیل جلسه‌ای در ابتدای سال تحصیلی و توجیه دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان قبل از هر اقدامی!

این آسان‌تر بودن یک شرط دارد: تشکیل جلسه‌ای در ابتدای سال تحصیلی و توجیه دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان قبل از هر اقدامی!

نکته دیگر این است که مشارکت در چنین طرحی، بهویژه برای والدین و معلمان باید داوطلبانه باشد. در مورد دانش‌آموزان می‌توان چنین فعالیت‌هایی را در قالب درس‌هایی چون پژوهش و یا دیگر برنامه‌های متدالوی در مدرسه تعریف کرد و

داد.

بخشی از ارزشیابی نهایی را به این امر اختصاص داد. در طی سال تحصیلی مدیر مدرسه می‌تواند از طریق تشکیل جلسات ماهانه با داوطلبانی که در این طرح مشارکت کرده‌اند، علاوه بر پیگیری اجرای طرح‌ها، با مطرح کردن دستاوردهای حاصل، انگیزه‌های افراد را افزایش دهد. در پایان سال وقتی فهرست کارهای انجام شده، تغییر در هزینه‌های مصرف آب و انرژی و نیز دستاوردهای تربیتی و آموزشی طرح در آخرین جلسه عنوان می‌شود، رضایت حاصل از مشارکت در چنین طرحی با هیچ دستاوردهای دیگری برای نخواهد کرد.

مهرناز رفیعی
هنرستان شهید طاهریان

امتحان صداقت

در یکی از روزهای نیمسال دوم پس از اتمام جلسه امتحان، به بچه‌ها اعلام کردم: «هر کس باید خودش ورقه خود را تصحیح کند. به آن‌ها گفتم: من فقط کلید دقیق هر سؤال را به شما می‌گویم و شما با جمع نمرات خود، نمره نهایی را برای ثبت در دفتر اعلام کنید.» بعد اضافه کردم: یادتان باشد که این فرصت خوبی است برای شما که امتحان دیگری هم بدهید! امتحان صداقت!» سپس کلید سؤالات را در اختیارشان گذاشتیم و آن‌ها مشغول تصحیح شدند.

من می‌دیدم که بچه‌ها با دقت تک‌تک سؤالات را با وسوس خاصی تصحیح می‌کردند. حتی اگر در نمره برخی از سؤالات تردید داشتند از من سؤال می‌کردند. وقتی هنگام اعلام نتایج شد بعضی شان خوشحال بودند و بعضی ناراحت و حتی گریان و گروهی نیز عادی، ولی آنچه در همه بچه‌ها مشترک بود، خیالی آسوه و راحت بود. چشمانشان از صداقت موج می‌زد. آنان از این امتحان پیروز و سریلند بیرون آمده بودند، این امتحان فقط میزان یادگیری دانش‌آموزان را محک نزدیک بود بلکه صداقت، کرامت و اعتماد آن‌ها را نیز مورد آزمایش قرار داده بود.

شاید ارزش و اهمیت ایجاد شرایط برای امتحان دوم (امتحان صداقت) بیش از امتحان معلومات درسی است و ما غافل از پرداختن به چنین فرصت‌هایی برای تمرین مهارت‌های زندگی شده‌ایم!

مسال لای دینی به تقریس مخلص خوب بود من و اعضا می هارامی هم می
دانم حقاً نم کل من نه خوب نه خوب بود و نه نا سالم بود
نیز امسال من عرب های زنده ای کردم و تو ایستم و منی را در لام
مسال و اعضا من از دینی کرد بزدم و خوب خود مالام که مخلص خوب نیز خام
رنمی داشتم و امید و ایام مسال های عده نیز با خام رنمی ایشون تدریس خود
خوب و سریعی داشتم و لاس شاد و مرحیان را تبریز کردم
بنون از اینکه امسال ما اتحمل کردید شد

بائبل



بہترین ہدیہ

همزمان با هفته معلم هنگام تدریس به حدیثی از امام صادق (ع) برخوردم که فرموده بودند: «أَحَبُّ أَخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي» (أصول کافی، ۲، ص ۶۳۹)

بر این اساس از دانش آموزان خواستم که بهترین هدیه (نوشتن عیب‌هایم) را به مناسبت هفته معلم به من اهدا کنند.

نتیجه این شد که دانش آموزان مانند آینه، عیبی را که هرگز به آن فکر نمی کردم به من هدیه کردند. آن عیب «تبعیض» بود.

دانشآموزی داشتم؛ باهوش، ورزشکار، مُدّب و در یک کلام دوستداشتنی. تیزهوش بود و در ورزش جزء تیم استان شده و مدارالهای رنگارانگی گرفته بود که نشان از همت و پشتکار و تلاش فوق العاده او می‌کرد. در ادب و وقار هم مثال زدنی بود. او که خیلی زود از سایه مهر پدر محروم شده بود به لطف الهی و زحمات مادرش به اینجا رسیده بود. همه این موارد کافی بود که نوجه و تحسین یک معلم را برانگیزد. به همین جهت هنگام تدریس وقتی می‌خواستم از مثال استفاده کنم او را بارها بعنوان نمونه یاد کرده بودم ولی دریغ از اینکه همین امر باعث دلخوری بعضی شده بود. وقتی نوشتۀ‌های دانشآموزان را خواندم. با خود اندیشیدم و متوجه خطای بزرگ خود شدم. حق با دانشآموزان بود. توجه ویژه به آن دانشآموز خاص باعث شده بود در دیگران احساس «مقایسه کردن» و «شاید حسابت» رخ دهد و حتی روابط صمیمی آن‌ها را خدشیده‌دار کند، من ناخواسته‌جایی ظلم، هم به خود فرد و هم به دیگران، که بد بودم!

این تجربه باعث شد که به این نتیجه برسم: «همه گل‌ها
ظریفاند و حساس؛ لذا توجه و دقت بیش از حد به فقط یک
گل، هم آن گل را شمرده می‌کند و هم گلستان را».

حروفهای ناجور شاید هم جور

رؤیا صدر
تصویرگر: ابوالفضل محترمی



زن دایی ا جوش نزن، تنبله که تنبله...
بجاش پیشرفت می کنه... حالا ما که
زرنگ بودیم کجاوی دنیا رو گرفتیم؟!
پسرعمه آلبرت اینشتین





خانم! این فرزندتون حرفای ناجور
می‌زنه، نظم کلاسو به هم می‌زنه...
می‌گه زیونم لال، زمین گرده و دور
خورشید می‌چرخد، اگه یه بار دیگه
جلوی پچه‌هار این حرف‌زن، به
همین صاف بودن زمین و نجر خیدنش
دور خورشید قسم، مجبور می‌شم از
نمراه انصباطش کم کنم.
معلم گالیله



بچه به درس و مشقت برس. آخه
نشستن پای درخت سبب هم شد
عوض کردن مسیر تاریخ؟! اگه به
نشستن، اون معلم ورزشتون باید تا
حال هزار بار مسیر تاریخ رو عوض
کرده باشه.
شوهر خاله اسحاق نیوتن

بچه!! چشمت بایاقوری نشد از بس با اون چوب و مقوا ور رفتی؟
 بشین یه ذره به ذرست برس. آخه اختراع هواپیما هم شد
کار؟!... اگه رفتی اون بالا افدادی دویاره پات شکست و از درست
عقب افدادی کی جواب معلمتو می‌ده؟ مُردم از بس به خاطر
بی‌انصباطی‌های تو قبض کمک به مدرسه پر کردم.
مادر ویلبر رایت



انواع سرطان از الف تا ی

سرطان چرا؟!

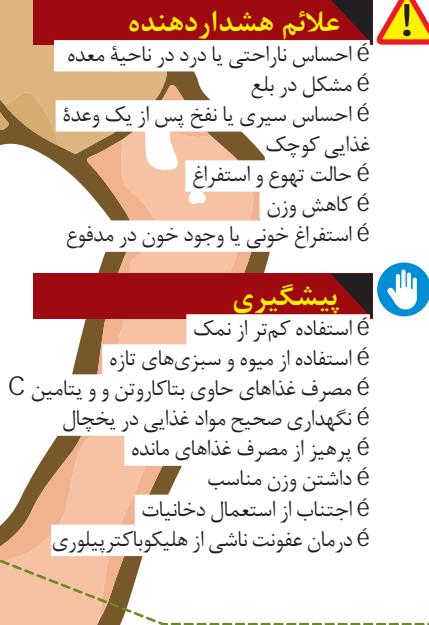
فرزانه نوراللهی

در شماره قبل با واژه علمی سرطان و اصلاح باورهای نادرست آشنا شدیم. در این شماره به معرفی برخی سرطان‌های رایج می‌پردازیم و توصیه می‌کنیم برای آشناشی بیشتر به سایت www.ncii.ir مراجعه کرده و به مطالعه انواع سرطان‌ها پردازید. مطمئن باشید که آگاهی یافتن از این بیماری خاص، روش‌های پیشگیری و یا خدای ناکرده درمان را برای همه ما سهول‌تر می‌سازد.

ایمیدواریم با ترویج فرهنگ سلامتی و مطالعه، ریشه این بیماری در کشور خشکیده شود.



www.ncii.ir



- عوامل احتمالی ابتلا**
- صرف نمک زیاد (غذاهای دودی، شور یا ترشی)
 - چاقی
 - کمبود فعالیت بدنی
 - عفونت هلیکوبکترپیلوری
 - کشیدن سیگار
 - التهاب مزمن معده
 - سابقه فامیلی

سرطان معده

سرطان معده با بیش از ۶۰۰۰ مورد جدید در سال، یکی از سرطان‌های شایع در ایران است.



- عوامل هشداردهنده**
- تغییر در عادات دفع (اسهال یا یاپوست)
 - احساس عدم تخلیه کامل روده
 - دیدن خون (قرمز روشن یا خیلی تیره) در مدفوع
 - باریکتر شدن مدفوع بیش از حد معمول.
 - زور پیچ یا درد شکمی مداوم، یا احساس پری یا نفخ.
 - کاهش وزن بدون دلیل مشخص.
 - احساس خستگی شدید دائمی.
 - حالت تهوع یا استفراغ.
 - با پیروی از رژیم غذایی مناسب، انجام فعالیت بدنی به میزان کافی و کنترل نمودن وزن بدن، می‌توان از بروز نیمی از موارد سرطان روده بزرگ - راست روده را افزایش می‌دهند.
 - سیگار کشیدن
 - کمبود فعالیت بدنی

سرطان روده بزرگ راست روده

بیش از نیمی از موارد سرطان روده بزرگ با تغییراتی در سبک زندگی قابل پیشگیری است.



- عوامل احتمالی ابتلا**
- سن بالای ۵۰ سال
 - پولیت‌های روده بزرگ - راست روده
 - سابقه خانوادگی سرطان روده
 - تغییرات ژنتیک
 - سابقه شخصی سرطان
 - کولیت اولسراتیو و بیماری کرون
 - رژیم غذایی: چاقی و رژیم‌های غذایی پرچرب و با کالری بالا، کمبود مصرف سیزی و میوه، رژیم‌های غذایی که کلیسیم، فولات و فیبر کمی دارند و مصرف زیاد گوشت قرمز (به خصوص گوشت‌های سرخ‌شده یا کباب پز شده و گوشت‌های فرآوری شده) خطر سرطان روده بزرگ - راست روده را افزایش می‌دهند.
 - سیگار کشیدن
 - کمبود فعالیت بدنی

! عوامل احتمالی ابتلا

- غذا در مری گیر می کند و یا گاهی برمی گردد.
- درد هنگام بلع غذا.
- درد در قفسه سینه و ناحیه پشت کاهش وزن.
- سوزش سر دل (یا ترش کردن).
- صداهای گرفته و یا سرفهای که بیش از دو هفته ادامه می یابد.

! پیشگیری

- عدم استعمال دخانیات
- اجتناب از نوشیدن الکل
- اجتناب از نوشیدن مایعات داغ
- صرف بیشتر میوه و سبزیجات با رنگهای مختلف
- داشتن وزن مناسب
- در صورت داشتن سوزش سر دل (ترش کردن)، آن را درمان کنید.

! عوامل احتمالی ابتلا

- سن ۶۵ سال یا بالاتر
- مذکور بودن؛ مردان دو تا سه برابر بیشتر از زنان در معرض ابتلا به سرطان مری هستند.
- استعمال دخانیات
- صرف مشروبات الکلی
- رژیم غذایی که شامل مقدار اندکی میوه و سبزی باشد خطر ابتلا به سرطان مری را افزایش می دهد.
- چاقی مفرط

بازگشت اسید معده (Reflux Barrett Esophagus) بازگشت اسید معده معمولاً به مری آسیب می رساند و به مرور باعث شرایطی معروف به «مری بارت» می شود. این عامل خطرناک تر از بازگشت اسید به تنها است.

سرطان مری

سرطانی که در بافت پوشاننده مری (لوله ای که غذا از طریق آن از حلق به معده منتقل می شود) ایجاد می شود. و شامل دو نوع عمده است.

! عوامل احتمالی ابتلا

- عفونت ناشی از ویروس هپاتیت بی (HBV) یا ویروس هپاتیت سی (HCV)
- صرف بیش از حد الکل
- آفلاتوکسین - ماده ای سمی که روی پسته، بادام زمینی، ذرت و سایر حبوبات و دانه ها تشکیل می شود.
- بیماری ذخیره ای آهن
- بیماری سیروز
- چاقی
- دیابت

سرطان کبد

سرطان اولیه کبد سرطانی است که در بافت کبد ایجاد می شود. سرطان ثانویه (متاستاتیک) کبد از نواحی دیگر بدن به کبد منتشر می شود

! عوامل احتمالی ابتلا

- در در بخش فوقانی شکم در سمت راست توده یا احساس سنتگینی در بخش فوقانی شکم
- ورم شکم (نفخ)
- از دست دادن اشتها و احساس سیری زودرس
- از دست دادن وزن
- ضعف یا احساس خستگی شدید
- حالات تنفس و استفراغ
- زرد شدن پوست و چشم ها، مدفع کمرنگ، و ادرار تیره ناشی از زردی (یرقان)
- تب

! پیشگیری

- واکسیناسیون هپاتیت B
- کاهش رفتارهای پر خطر جهت کاهش ابتلا به عفونت های هپاتیت B و C
- پرهیز از مصرف الکل
- پرهیز از مصرف غذاهای آلوده به کپک
- حفظ وزن مناسب

اینجا «دل» است سامانه پیاپی همی خیس

سعیده اصلاحی

بیدار شو

شهر خوابآسود که در نقره ریز صبح زیر
ابرهای خاکستری دوش گرفته بود حالا پلک
واکرده و با هزار هزار پنجره تو را چشم در
راه است.

همیشه قبل از آمدنت، باران تمام
دلتنگی های ریز و درشت زمین را می شوید
و با خودش به دوردستها می برد.
هر بار همین که باد، جارو به دست، مشغول
گردگیری و خاک تکانی می شود، ابر آهسته
در می زند تاما از کلبه ... بر فی زمستانی
بیرون بکشد.

حالا دلم از رقص رخوت آور شعله ها دل کنده
است تا با لهجه روستاوی باران آواز بخواند.
بیرون کلبه، نفس باد، بوی گل می دهد؛ بوی
گل های ناشناخته ای که در سرزمین های
نادیده روییده اند.

... اینجا پروانه ها، سنجاق سر لزانی روی
گیسوان خیس درختان اند
... و گل های واشده روی تپه ها، شبیه لبخند
فرشتگان.

..... چه قدر این هوا دلم را هوابی کرده است.
 بشنو از این پرده و بیدار شو
 خلوتی پرده اسرار شو
 راه یقین جوی زهر حاصلی
 نیست مبارک تر از این منزلی
 خمسه نظامی

ترانه های تنهایی

ما را سر سودای کس دیگر نیست
در عشق تو پروای کس دیگر نیست
جز تو دگری جای نگیرد در دل
دل جای تو شد جای کس دیگر نیست
«فرشته ای دلتنگ، سر از خانه ابری اش بیرون آورد و
پرسید: خورشید کجاست؟»
«... کوه شنید و تکرار کرد: خورشید کجاست؟ ...
کجاست؟ ... کجاست؟»
صدا در کوهپایه ها پیچید، لابه لای درخت ها چرخید...
و سر خورد و قل خورد و افتاد توی رو: ... شالاب!
رود موج برداشت و رقصید، صدا به گوش ماهی ها
رسید.
«ماهی ها دور هم چرخیدند و از سنگ ریزه ها
پرسیدند: خورشید کجاست؟»
صخره خزه پوش کف رود، آرام و شمرده گفت:
«خورشید که جایی نرفته، همین جاست همین دور
و بر، پشت قله های کوتاه و بلند گم شده در برف ...

یک برش لبخند

چشم فرو بسته‌ای از عیب خویش
عیب کسان را شده آینه پیش
در همه چیزی هنر و عیب هست
عیب مبین تا هنر آری به دست
عیب کسان منگر و احسان خویش
دیده فرو بر به گریبان خویش
آینه روزی که بگیری به دست
خود شکن، آن روز مشو خودپرست
خمسه نظامی



یک برش لبخند

دو امیرزاده در مصر بودند، یکی علم آموخت
و دیگری مال آندوخت.
عاقبت‌الامر، آن یکی علامه عصر گشت و این
یکی عزیز مصر شد.
پس این توانگر به چشم حقارت در فقیه نظر
کردی و گفتی: «من به سلطنت رسیدم و
این همچنان در مسکن特 بمانده است.»
گفت: «ای برادر، شکر نعمت باری- عزّاسمه-
همچنان افرون تر است بر من که میراث
پیغمبران یافتم یعنی علم
و تو را میراث فرعون رسید؛ یعنی ملک
مصر.»

گلستان سعدی

لای چین‌های دامن آسمان....

فقط باید خوب نگاه کنی ... اما نه مثل دیگران.

... باید دنیا را با «دلت» ببینی؛ با چشم دلت!»

سیبی که روی شاخه تاب می‌خورد و عکسش توی

رود افتاده بود، حرف‌های صخره را شنید و پرسید:

«دل کجاست؟»

صخره نگاهی به سیب بالای سرش انداخت و جواب

داد: «دل، در درون توسّت شادی و غم، امید و آرزو،

ترس و دلتنگی و تمام چیزهای نادیدنی را باید با دلت

حس کنی.»

خداؤند به همه موجودات دلی پاک و زلال بخشیده

است؛ دلی درخشنان، مثل خورشید.

در این میان، باد از گرد راه رسید، گونه سیب را بوسید

و تابش داد، بعد هو هو کنان اوج گرفت.

«سیب و صخره پرسیدند: کجا؟»

بلند گفت: «باید ابرها را کنار بزنم... همه دلتنگ

خورشیدند.»

دانش آموزان

و اقتصاد مقاومتی

نرگس سادات رحمن پور

دبير شيمي، شهرستان بابل

اصلی تربیت رسمی و فرهنگساز، در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی بسیار تعیین کننده و سرنوشت ساز خواهد بود (۲). از دیگر موضوعات کلان ملی و در ارتباط با اقتصاد مقاومتی که دانش آموزان و آموزش و پرورش می توانند در آن نقش جدی ایفا نماید، موضوع پرسش مهر رئیس جمهور در آغاز فصل بازگشایی مدارس، و پرداختن به موضوع استفاده بهینه از آب است. به عقیده بسیاری، در اقتصاد مقاومتی، موضوع نداشتن منابع نیست بلکه نشناختن منابع است. بنابراین با استفاده از توان بالقوه نهفته در گروه عظیم دانش آموزی می توان به اصلاح فرهنگ مصرف و استفاده بهینه منابع، از جمله منابع آب، دست یافت.

آموزش و پرورش می تواند با ارائه متونی صحیح و منطبق با فرهنگ ملی - مذهبی کشور به دانش آموزان و ارائه راهکارهای مناسب تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان آنها را متناسب با شرایط و نیازهای امروز جامعه تربیت کند. یعنی از کودکی آنان راخلاق، جهادگر، سخت کوش، مسئولیت پذیر و دارای حس خودبایوی بار بیاورد تا با خوب درس خواندن و خوب بادگرفتن مهارت های کاری، برای خدمت بهتر به کشور آمده شوند؛ یا از طریق آموزش و ایجاد انگیزه، طرفیت های لازم برای پذیرش مسئولیت و حس قوی خودگردانی جهت رویارویی با مشکلات و توان مقابله با آنها را کسب نمایند.

یکی از دیگر راههای فعالیت در راستای اقتصاد مقاومتی در آموزش و پرورش، هدایت دانش آموزان به رشته های فنی و کار دانش است. این رشته ها بستری مناسب برای اقتصاد مقاومتی است به ویژه که توسعه مراکز فنی و حرفه ای از اهداف تعیین

مقدمه

اقتصاد مقاومتی به معنی اقتصادی خود کفای مولد، مستقل و شکوفا است که در برابر همه فشارها و تحریمها مقاوم بوده و می تواند جامعه را از اثرات مخرب فشارها و تحریمها محافظت نماید. اقتصاد مقاومتی در حقیقت به معنای تشخیص حوزه های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی اثر کردن آنها، و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت توانمندی است. (۱)

اقتصاد مقاومتی برنامه های همه جانبه است که تمام مردم و مسئولان در قبال آن وظیفه های دارند و باید به آن عمل کنند. چنانچه عموم مردم وظیفه خود را ندانند، باید آن ها را آموزش داد تا پس از شناخت وظایف، اقداماتی متناسب و شایسته را در پیش گیرند و برای اجرای اقدامات لازم توانمند شوند. زمان که اقدام عملی و کار مفیدی در جامعه اتفاق نمی افتد سه دلیل دارد. یا اعتقاد وجود ندارد و مردم نمی خواهند. یا اعتقاد دارند و می خواهند ولی نمی دانند موضوع چیست و چه باید بکنند، و سوم اینکه می خواهند و می دانند موضوع چیست ولی نمی توانند اجرا کنند. چون ابزار، امکانات یا شرایط لازم برای اجرا را ندارند.

در شرایط فعلی کشور، اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی به منظور خودکفایی و ایستادگی در برابر تحریمها و زیاده خواهی های کشورهای غربی ضروری است. بنابراین با توجه به کثرت و گستردگی جمعیت دانش آموز و طرفیت های موجود در این قشر، نقش دانش آموزان در موفقیت برنامه های اقتصاد مقاومتی انکار ناپذیر است. به عبارت دیگر نقش آموزش و پرورش به عنوان بزرگ ترین دستگاه فرهنگی و یکی از نهادهای



متخصصان بر این باورند که گرچه کشور ما در کمربند ناحیه خشک کره زمین قرار دارد، اما مشکل کشور کمبود آب نبوده بلکه بحران در الگوی مصرف آب است. بنابراین با استفاده از توان نهفته در جوانان و نوجوانان دانش آموز می‌توان از طریق مدیریت مصرف آب بر مشکلات مربوط به کمبود آن و به عبارتی بحران آب، فایق آمد.

دانش آموزان مختربان و دانشمندان آینده این سرزمین هستند و چه بسیار نیازهای کشور به دست توانند آنان باید برطرف گردد.

با توجه به مطلب بالا و نقش مهم دانش آموزان در توسعه فرهنگی، از جمله در موضوع اقتصاد مقاومتی، از یکسو، و از سوی دیگر، تازگی موضوع و عدم وجود اطلاعاتی در زمینه آگاهی، نگرش و عملکرد آنان در خصوص اقتصاد مقاومتی، در این مطالعه سعی شده است دیدگاه دانش آموزان پیرامون این موضوع مورد بررسی قرار گیرد و امید است کمکی هرچند کوچک به تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی باشد.

روش کار: این مطالعه در فروردین و اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۳ بر روی ۲۰۸ نفر از دانش آموزان دوره متوسطه سه دبیرستان در رشته‌های تحصیلی علوم تحریکی، و عمومی (پایه اول) اجرا شد. برای جمع آوری اطلاعات از فرمی محقق ساخته دارای ۱۲ سوال استفاده شد. ۳ سوال در رابطه با اطلاعات فردی (رشته تحصیلی، پایه تحصیلی، نوع مدرسه)، ۶ سوال چندگزینه‌ای در خصوص آگاهی، نگرش و عملکرد آنان پیرامون اقتصاد مقاومتی، و ۳ سوال باز در رابطه با بیان مصادیق اقتصاد مقاومتی و رائمه نظرات، نمونه‌ها

شده در سند تحول بنیادین (در حوزه متوسطه) است. تحصیل در این رشته‌ها می‌تواند با توجه به بازار کار و ایجاد شغل از دغدغه‌های خانواده‌ها و دانش آموزان بکاهد. قدم دیگر، آموزش دانش آموزان در زمینه صرفه‌جویی است. یعنی درست مصرف کردن لوازم مختلف مانند دفتر و کتاب. این گونه، هم کتاب‌ها ماندگاری بیشتری خواهند داشت و هم اینکه کاغذ کمتری در کشور مصرف می‌شود. و بدین ترتیب دیگر نیاز نیست کشور ما هزینه زیادی برای وارد کردن کاغذ از کشورهای بیگانه صرف نماید. (۳)

دانش آموزان که جمعیتی برابر با حدود سیزده میلیون نفر را شامل می‌شوند می‌توانند در تبیین الگوی مصرف، یا استفاده از کالای ایرانی و اصلاح فرهنگ تأثیر بسزایی داشته باشند. اینان می‌توانند گام اول را در خانواده‌ها برداشته و با سخن اثرگذار خود در بین اعضای خانواده و یا در سطح جامعه موجب ایجاد علاقه به استفاده و بهره‌مندی از تولید داخلی شوند. (۳-۴)

دانش آموزان قادرند خانواده‌های خود را در خرید مبلمان، تجهیزات مورد نیاز، لوازم تزیینی، اسباب‌بازی و پوشاسک هدایت نمایند و خود نیز از خریدن لوازم التحریر و کیف و کفش خارجی بپرهیزند و از نوع ایرانی همان وسائل استفاده کنند. و از این طریق موجب رونق تولید ملی شوند. (۳)

دانش آموزان می‌توانند با استفاده مناسب و به موقع از لوازم خانگی مانند تلویزیون، کولر، بخاری و یخچال از مصرف بی‌رویه آب، برق و گاز بکاهند و از این طریق در حفظ سرمایه‌های ملی بکوشند. به عنوان نمونه، د رمود مصرف آب، بسیاری از

ایشان در حل یا کاستن از معضلات اقتصاد اجتماعی کشور خواهد بود. نتایج بدست آمده گویای آن بوده است که:

- از آنجا که هیچ یک از کلاس‌های مورد مطالعه دارای ۱۵ دانش‌آموز نبوده است، بنابراین اظهار ۱۵ نفر از دانش‌آموزان مبنی بر کسب اطلاعاتی از سوی معلم‌شان، احتمالاً نشان دهنده آن است که این عده اطلاعات خود را از معلم یا معلم‌انی خارج از کلاس درس (مانند معلمان پرورشی و یا شورای دانش‌آموزی که معلمان پرورشی همراه با مدیران مدارس در آن حضور دارند) کسب نموده‌اند.

- نتایج این مطالعه نشان داده است که اغلب دانش‌آموزان ارائه کننده پیشنهاد، از میان کسانی بودند که عبارت اقتصاد مقاومتی را شنیده و اظهار آشنای با مصادیق آن را داشتند. این یافته‌ضمن تأکید بر اهمیت و نقش اطلاعات جهت اقدام در هر زمینه‌ای بیانگر این حقیقت است که هر گونه انتظار جهت اقدام عملی، نیازمند کسب آگاهی و نگرش‌های لازم می‌باشد. به عبارت دیگر به منظور دستیابی به سطح مطلوبی از مشارکت و تلاش در زمینه اهداف اقتصاد مقاومتی نیازمند آموزش و اطلاع‌سازی پیوسته و گستردگی در همه اشاره از جمله دانش‌آموزان و کادر آموزش‌وپرورش هستیم. این موضوع در ارتباط با پرسش مهر رئیس جمهور نیز صادق بوده و با اذعان به توان بالای نهفته در دانش‌آموزان و آموزش‌وپرورش، مستلزم پیگیری و آموزش جدی است.

جمع‌بندی ایده‌ها و پیشنهادهای دانش‌آموزان در خصوص نحوه اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی در زندگی خالی از تأکید بر موضوعاتی مانند صرف‌جویی و استفاده بهینه از امکانات بوده است. شیوه‌ای که در بسیاری از موارد بهویژه از سوی دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها به شکل مطلوب و مؤثری قابل اجرا خواهد بود و در آموزهای اسلامی نیز به اشکال مختلف همچون پرهیز از اسراف و تأکید بر به کارگیری عقل و منطق در استفاده از منابع، سفارش شده است.

امید است با ایجاد یک انسجام درونی بین دولت، ملت (دانش‌آموزان و دیگر اشاره مردم) و مشارکت همه نهادهای اجتماعی از جمله نهادهای آموزشی بتوانیم مانع از تحقیق دشمنی و اهداف شوم تحریم‌کنندگان علیه کشورمان گردیم.

به روش آسان و از میان دانش‌آموزان حاضر در کلاس‌های درسی محقق انتخاب شدند. فرم‌ها در اغاز هر کلاس درسی توزیع و پس از مدت کافی جهت پاسخ‌گویی، مجدداً جمع‌آوری گردید. البته به دانش‌آموزان گفته شد که پاسخ‌گویی به سوالات کاملاً اختیاری است و هر یک از آنان به هر دلیل که تمایل به پاسخ‌گویی ندارد، می‌تواند از این مطالعه خارج گردد.

یافته‌ها: پس از جمع‌بندی پاسخ‌های دانش‌آموزان در سه مدرسه مورد مطالعه مشخص گردید که ۳۰ نفر از آنان (۴۰٪) واژه اقتصاد مقاومتی را شنیده اند اما فقط ۱۲ نفر (۳۰٪) با مصادیق آن آشنای دارند و تنها ۱۰ نفر (۲۷٪) شاهد افاده از این خصوص در مدرسه بوده‌اند. پاسخ به این سوال که آیا هیچ‌یک از معلمان در رابطه با اقتصاد مقاومتی در کلاس صحبت کرده‌اند، ۱۵ نفر (۷٪) پاسخ مثبت دادند.

در پاسخ به این سوال که آیا دانش‌آموزان در خصوص اقتصاد مقاومتی مسئولیتی دارند، ۳۱ نفر (۴۹٪) خود را مسئول دانستند. پرسش پیرامون اینکه مسئولیت پرداختن به موضوع اقتصاد مقاومتی و انجام اقدامات مرتبط به عهده چه کسی است، نشان داد که ۱۲ نفر (۳۰٪) مسئولیت این امر را به عهده همه مردم، ۳ نفر آن را به عهده مسئولین مدرسه، ۳ نفر مسئولیت را به عهده رئیس جمهور، ۲ نفر مسئولین دولتی و ۱ نفر نیز به عهده رهبر دانستند.

در پاسخ به این که: چه پیشنهادی برای این موضوع در مدرسه دارید؟ ۲۲ نفر ایده‌هایی را ارائه کرده بودند که اغلب آن‌ها آموزش و صحبت در رابطه با اقتصاد مقاومتی (یا به عبارتی ارتقاء آگاهی دانش‌آموزان در رابطه با اقتصاد مقاومتی) مورد نظرشان بود.

نتیجه‌گیری: هدف از مطالعه حاضر بی‌بردن به وضعیت آگاهی، نگرش و عملکرد گروهی از دانش‌آموزان در ارتباط با مقوله اقتصاد مقاومتی بود. اگرچه محدودیت تعداد افراد شرکت کننده در این بررسی عاملی است که مانع از تعمیم نتایج آن به دیگر دانش‌آموزان خواهد شد، اما به هر حال بازگو کننده برخی نقاط قوت و ضعف در میان آنان از حیث موضوع اقتصاد مقاومتی و جلب مشارکت

منابع

۱. تیرگر، آ، آقالری، ز؛ بروهشی در اقتصاد مقاومتی از منظر شهروندان و دانشگاهیان. کهان، فرهنگی، زمستان ۱۳۹۲، ۴۶-۴۸.
۲. آقاضفری، ح، راه‌ها و روش‌های نهادینه کردن اقتصاد مقاومتی در کوکان و نوچانان. <http://titre1.ir>
۳. موسوی س، م، نقش کلیدی دانش‌آموزان در تحقق اقتصاد مقاومتی. نشریه پیشگامان، شماره ۳۸-۴۹، ۷۳.
۴. یاگاه اطلاع‌رسانی راه موسسه نقش دانش‌آموزان در موفقیت مقوله اقتصاد انکارنایذر است. <http://www.rahemadreseh.ir>

ضرورت رفتار مناسب با دانش آموزان بیش فعال

الهه‌ایزدبخش

مدیر دبستان دخترانه آسیه، سبزوار

در بسیاری از مدارس عادی دانش آموزانی دیده می‌شوند که دارای نوعی اختلالات رفتاری نظری نقص توجه همراه با بیش فعالی، عدم قانون پذیری و تبعیت و تطبیق با محیط و قوانین مدرسه می‌باشند. این اختلال که عمدتاً ناشی از تحرک پذیری زیاد دانش آموز است و فعالیت زیاد جسمی او را همراه دارد، اگر به درستی شناخته و درمان نشود، علاوه بر عدم یادگیری صحیح وی، می‌تواند همکلاسی‌ها و کادر آموزشی را درگیر خود کند و موجب بروز مشکل در روند اجرای صحیح مقررات گردد. پس دانستیم که بیش فعالی حالتی است که در آن کودک به نحوی مفرط و بیش از اندازه فعال و پر جنب و جوش است. تحرک زیاد این کودکان نه تنها خود آن‌ها را بلکه اطرافیان، همکلاسی‌ها و اولیای مدرسه را دچار مشکل می‌کند. بدین منظور در این تحقیق سعی شد تا با توجه به حساسیت دوره آموزش ابتدایی در شکل گیری شخصیت فرد، دانش آموز با مشخصه بارز رفتاری بیش فعالی انتخاب شود و زیر نظر قرار گیرد.

نرگس، در سال ۱۳۸۷، دانش آموز پایه اول ابتدایی مدرسه مابود. وی سال قبل در مدرسه دیگری بود و چون مردود شده بود او را در مدرسه ما ثبت‌نام کرده بودند. دختری بود که بدلیل بیش فعالی، مشکلاتی را برای همسالاتش در مدرسه ایجاد می‌کرد و من باید برای او که هر روز همراه نماینده کلاس و شکایات پی‌درپی معلم و دیگر همکلاسانش راهی دفتر مدرسه می‌شد و از او گله‌مند بودند فکری می‌کردم. نرگس تکالیف خود را انجام نمی‌داد، دفتر مشق دوستش را پاره با



**مادر وی بعد از
چندین جلسه
بالاخره موضوع
بیماری صرع
دخترش را که
تا پیش از این
مخفي می کرد،
مطرح نمود**

خط خطی می کرد، به تذکرات معلم بی توجه بود، غیبت های مکرر و تأخیر های روزانه داشت و ... از سوی دیگر مادرش نیز از اذیت های مکرر نرگس در خانه ناراحت بود: دعوا با بچه های همسایه، انجام ندادن تکالیف مدرسه، امتناع از آمدن به مدرسه، این شد که من با همکاری معاونان مدرسه و معلم کلاس اول و مادر نرگس برای رفع مشکل او به فکر افاده های بدهدست آمد و داده شد و همه ما می خواستیم بدانیم آیا می توان شرایطی را برای نرگس فراهم کرد تا بتواند با داشتن آرامش، رفتارش را کنترل کند و توجه خود را به یک موضوع خاص متعوف نماید؟ بدین منظور در صدد جمع آوری اطلاعات برآمدیم و از همه افرادی که به گونه ای از وضعیت موجود «نرگس» آگاهی داشتند کمک خواستیم. این افراد عبارت بودند از:

۱. معلم کلاس اول؛
۲. دانش آموزان کلاس اول؛
۳. خانواده نرگس؛
۴. کارشناس هسته مشاوره؛
۵. پزشک معالج.

ضمنا از معاونین مدرسه خواستیم رفتار او را در خارج کلاس مشاهده کنند و به ما گزارش بدهند. با معلم و مدرسه قبلي وی تماس برقرار نموده و آنان نیز عنوان نمودند که نرگس غیرقابل تحمل است و به هیچ صراط مستقیم هدایت نمی شود و به هیچ وجه قابل اصلاح و ماندگار در مدرسه نیست! چندین بار با خانواده نرگس تماس گرفتیم. چندین بار آن ها را خواستیم و در رابطه با این مشکل با آن ها صحبت کردیم و هر بار به علل مسئله نزدیک تر شدم. مادر وی بعد از چندین جلسه بالاخره موضوع بیماری صرع دخترش را که تا پیش از این مخفی می کرد، مطرح نمود و گفت که او زیر نظر پزشک است و دارو مصرف می کند. مادر نرگس علت کتمان این موضوع را ترس خود از ثبت نام نکردن نرگس در مدرسه مانع نمود. بنابراین، توسط مادر، با پزشک معالج صحبت کردیم و پی گیر مسئله شدم. از پزشک تقاضا کردیم با فعالیت هایمان همسو شود تا در نهایت به هدف اصلی مان که همان بهبود

وضعیت بیش فعالی نرگس بود برسیم. همچنین با مشورت و نظرخواهی از همکاران تصمیم گرفته شد تا ارتباطی نیز با هسته مشاوره داشته باشیم. پرسش و پاسخ از شاگردان کلاس اول، مصاحبه با خانواده و معلم وی در مورد وضعیت درسی و تحقیق درباره وضعیت او در کلاس و مدرسه قبلی و مشاهده رفتار او در زنگ تفریح و همچنین کلیه داده های بدهست آمد و داده شد و همه بیانگر این بود که بسیاری از عوامل ناخواسته و حرکت های منفی، توانم با هم، باعث اختلال و تغییر در رفتار و تحرک پذیری نرگس شده است. در نهایت جلسه ای با معلم کلاس اول و معاونین و خانواده وی برگزار کردیم و پس از گفت و گو و هماهنگ قرار شد:

۱. به گریه های نرگس زیاد اهمیت ندهیم و اجازه ندهیم از این پس مادر وی، که با اصرار نرگس در بعضی مواقع در کلاس حضور می یافتد به این کار ادامه دهد.

۲. به او در حد تعادل اهمیت دهیم به شرطی که برای دانش آموزان دیگر کلاس محل نباشد؛ مثلا با دادن مسئولیت به او برای آوردن وسایل از دفتر مدرسه به کلاس درس، تا از این طریق نحوه ارتباطش با دیگران افزایش یابد. به طور کلی در مورد او عطفت و محبت را همراه با جدیت و اجرای مقررات مدرسه به کار ببریم.

- معلم با دفتر مدرسه هماهنگ، و نظارت شود مبادا نرگس هنگام بیرون رفتن از کلاس به بیانه آب خوردن یا دستشویی از مدرسه خارج شود.

- همه ملزم شویم به مراقبت رفتار نرگس در ساعت تفریح، مبادا به دیگر دانش آموزان صدمه ای بزنند یا موجب بروز حادثه ای شود.

- با پدر و مادر نرگس در نحوه رفتار با او هماهنگ شویم.

- مادر نرگس او را ۵ دقیقه دیرتر از دیگر شاگردان به مدرسه بیاورد و ۵ دقیقه زودتر به خانه ببرد تا برخورد او با دانش آموزان در رفت و آمد کم شود؛ تا عادی شدن رفتار وی.

اسلام بیش از هر چیز به تشویق توجه دارد. ابوعلی سینا ضمن بیان خصوصیات یک معلم

می گوید: «بایدگاهی دانش آموز را تشویق و زمانی او را تهدید نماید...».

ما از هفته دوم راه حل را شروع کردیم. خودم، به منظور آگاهی بیشتر و کنترل بهتر نرگس و به بهانه خسته نیاشید گفتن به معلم و بچه ها وارد کلاس شدم و مانند دیگر دانش آموزان جایی را پیدا کردم و نشستم. سعی نمودم نقش یک دانش آموز را بازی نمایم.

آن روز، جشن درس آب در کلاس برگزار بود. از معلم خواستم به نرگس بگوید شکلات ها را بین بچه ها پخش کند. معلم شان نیز همکاری کرد و نرگس شکلات ها را توزیع کرد. در عین اینکه پرسش و پاسخ کلاس در مورد فواید آب برگزار بود من نیز از خانم معلم اجازه گرفتم تا قسمتی از فواید آب را بیان کنم. بچه ها از اجازه من به خنده افتادند ولی خانم معلم گفت: «بچه ها اجازه بدهید که خانم مدیر نیز فواید آب را بگوید». بعد از من نرگس نیز فواید آب را گفت. او که همیشه خوراکی های بچه ها را برمی داشت؛ حالا خودش بین آن ها خوراکی توزیع می کرد؛ و او که هرگز در بحث های کلاسی شرکت نداشت حالا خود در تدریس مشارکت داشت. این اولین بارقه امید ما بود که دیدیم نرگس از ماندن در کلاس لذت می برد. من کتاب داستانی را که با خود به کلاس آورده بودم در جمع دانش آموزان به نرگس هدیه دادم و برق شادی را در چشمان زیبای او دیدم. کم کم ارتباط من با نرگس آنقدر قوی شد که صبح ها، در بدو ورود به مدرسه اولین سؤالی که می کرد این بود: خانم مدیر کجاست؟ سراغ مرا می گرفت و تابا هم سلام و احوال پرسی نمی کردیم به کلاس نمی رفت. به تدریج در مراسم صبحگاهی با همکاری معاون پرورشی از وجود نرگس در قرائت قرآن و گفتن شعارها نیز بهره بردیم. البته برای اینکه نرگس بدعا داد نشود و دیگر دانش آموزان احساس حسادت نکند این کار را نوبتی و به صورت زمان بندی برگزار می کردیم. من، در ساعت تفریح، با شرکت خود و نرگس در بازی های گروهی دانش آموزان تلاش کردم علاوه بر نظارت و کنترل، ارتباط عاطفی او را

با همکلاسی هایش بیشتر کنم تا به این ترتیب نرگس دوستان زیادی پیدا کند. در نهایت به آنجا رسیدیم که، با توجه به نظرخواهی از معلم، معاونین و همکلاسی های نرگس و خانواده او، همگی متفق القول شدند که نرگس از بهترین دانش آموزان این مدرسه شده و نه تنها از مدرسه گریزی و اذیت و آزارهای او خبری نیست بلکه علاقه و افری هم به مدرسه و کلاس نشان می دهد. از آن پس او پا همراهی چند نفر از همکلاسی هایش که اتفاقاً از همسایگانشان بودند؛ به مدرسه می آمد. در ساعت تفریح نیز با یکی دو نفر از دوستانش همیشه همراه بود و جالب اینکه بعضی موقع نیز آن ها را دعوت به کیک و آب میوه از فروشگاه مدرسه می کرد و خوراکی های خود را نیز با دوستان صمیمی خود تقسیم می نمود.

با نظارت صحیح بر حسن اجرای تصمیمات اتخاذ شده و با یک اهرم سه گانه نظارتی (خانواده، آموزگار، مدیر و معاونین مدرسه) مشکل نرگس تا حد زیادی برطرف شد و او علاوه بر قانون پذیری، به تعاملی سازنده و نزدیک با همکلاسی ها و قادر آموزشی مدرسه رسید. ارتباط یک هنر است که اگر همراه با احترام و با استفاده از کلمات عاطفی باشد، تذکرات مورد پذیرش شنونده قرار می گیرد. برای بیان انتظارات خوبیش می توانیم با صوتی نرم و با کلماتی متناسب با قدرت تفکر و درک دانش آموزان رفتار کنیم. ایجاد امنیت روانی - جسمی، که با پذیرش مسئولیت های گوناگون و اعتماد به دیگران و افزایش قدرت فرد در تصمیم گیری برای سرنوشت خوبیش می تواند به وجود بیاید، پاسخ گویی به پرسش های دانش آموزان و احتساب از واکنش های تند و منفی در مقابل سوالات بی حد و مرز آنان، جلوگیری از افراط و تغییر در رفتارهای عاطفی و رعایت تعادل روانی و تقسیم مهربانی برای بین دانش آموزان، افزایش علاقه و انگیزه با تشویق به موقع در فراغیران، راهنمایی صحیح و مستمر؛ همه می تواند زمینه ساز تعديل و ایجاد رفتار صحیح در دانش آموزان مشکل دار شود.

با نظارت صحیح بر حسن اجرای تصمیمات اتخاذ شده و با یک اهرم سه گانه نظارتی (خانواده، آموزگار، مدیر و معاونین مدرسه) مشکل نرگس تا حد زیادی برطرف شد

خوشنویس طاهر

فضیلت‌های استاد طاهر
خوشنویس معلم خط تبریزی

جعفر ربانی

پنج سال بیشتر نداشت که پدرش به تبریز کوچ کرد و در این شهر مقیم شد و چون باسواند بود نخست خودش تعلیم فرزند را به عهده گرفت و به او فارسی و قرآن یاد داد و سپس وی را به مکتب فرستاد. طاهر از همان کودکی استعداد نوشت و خوشنویسی را از خود بروز داد و پدر با فراستش نیز این را دریافت و در پرورش استعدادش کوشید. از این رو سرمشق‌هایی برایش تهیه می‌کرد تا آن‌ها را خوشنویسی کند. چنان شد که این کودک از ۷ سالگی به بعد طی چند سال، یک قرآن کامل را خوشنویسی کرد و شگفتی آفرید. از آن پس جز خوشنویسی مشغله‌ای نداشت به‌طوری‌که تا قبل از ۱۵ سالگی چند کتاب مهم از جمله صرف میر و تصریف و عوامل - از کتب درسی حوزوی - را خوشنویسی کرد. از ۱۵ سالگی نیز نوشتن قرآنی را شروع کرد و آن را طی چهار سال به پایان رساند.

تبریز از شهرهایی است که همواره به داشتن خطاطان و خوشنویسان برجسته مفتخر بوده است. در عصر حاضر نیز در این شهر خوشنویسانی به عرصه ظهور رسیده‌اند که هنوز نام و یادشان ماندگار است. از جمله باید طاهر خوشنویس و حسن هربیسی را نام برد که از قضا هر دو معلم نیز بودند و در این شغل خدمت بسیاری به جامعه فرهنگ دوست آذربایجان و انتشار کتاب‌های خوش خط در سراسر ایران کردند. مضافاً که هر دو مردانی مهذب نیز بودند و نقش مری را برای شاگردان خود ایفا می‌کردند. در این شماره گذری داریم بر زندگی شادروان استاد طاهر خوشنویس و یاد او را زنده می‌کنیم.

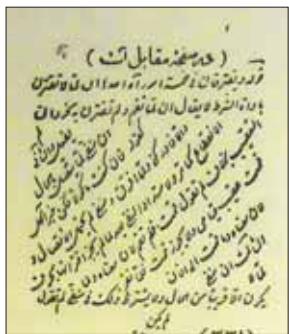
طاهر خوشنویس در قراچه داغ - ناحیه اهر کنونی - متولد شد، و از عجایب اینکه مادرش ۶۵ سال داشت که این فرزند را به دنیا آورد. طاهر چهار



٤٦٩ وَقَالَ عَلَيْهِ الَّلَّامُ: مَنْهُمَا نَلَاتُبَعَانِ: طَالِبٌ عَلِيٌّ قَطَالِبُ

دُنْيَا

اَمَامَ عَلِيِّيَّ اَسْلَامُ (دِبَارُهُ خَوَاهُنْ عَلِمُ دُنْيَا) فَرْمُودَهُ هُنْتَدَ كَسِيرِيَّهُ
خَوَاهُنْ عَلِمُ (کَهْرِيَّهُ اَكْنَتْ دِبَرِيَّهُ اَشُورْهُ بَازِسِخَاهُ بَهْرُولْ دِبَرِيَّهُ اَسْلَامُ نَاهِيَهُ وَخَوَاهُنْ دُنْيَا (کَهْنَهُ اَزْ
کَلَاهِيَّهُ دِيَاهِيَّهُ بَازِسِخَاهُهُ کَلَاهِيَّهُ بَهْرُولْهُ دِبَرِيَّهُ اَسْلَامُ نَاهِيَهُ دُنْيَا) *



تعداد آثار قلمی او به حد اعجاب آور ۲۵۰ کتاب و ۲۵ بار خوشنویسی قرآن می‌رسد



× طاهر: استاد و مریم ×

از هنر ارجمند استاد طاهر خوشنویس که بگذریم، وی در فضایل و ملکات اخلاقی نیز مردی کم‌نظیر بود و نقش یک مریم اخلاق را نیز برای شاگردان خود ایفا می‌کرد.

تهها پسرش احمد گفته است: این مرد در زندگی بسیار آرام بود. هیچ‌گاه از او عصبانیت یا پرخاشگری ندیدم. سراسر عمرش «درس تحمل و برداشی و از خود گذشتگی و خلق آثار جاودانه و تعمیق ارزش‌های الهی و گسترش صفا و خلوص و پاکبازی و تقوا و قداست و تواضع و سخاوتمندی» به مداد احمد می‌گوید: «او صبح‌ها با اذان صبح از خواب بیدار می‌شد و بعد از نماز کمی خوابید و بعد از صبحانه نیز مسغول نوشتن می‌شد. ساعت حدود ۱۱ به بازار می‌رفت و وقتی را با کسانی که مراوداتی داشت می‌گذراند. سپس برای نماز ظهر به مسجدی می‌رفت که «خود» بانی آن بود! در کنار آن ساعتی را هم به مراوده با همسر و هم‌صحبتی با هم می‌برداخت. رابطه آقا و خانم با هم به حدی خوب بود که فکر می‌کردند والدین دو فرشته‌اند.»

عمر ۸۸ ساله طاهر خوشنویس در سال ۱۳۵۵ به پایان رسید. عمری که همه بر سر خط و خوشنویسی، آن هم متعالی ترین نوشه‌ها گذشت. عجب اینکه وی اوایل هفتاد سالگی یک چشم خود را تقریباً از دست داده بود. با این حال با همان یک چشم کار را ادامه داد و همچنان اثر آفرید. او آخرین قرآن خود را در ۸۵ سالگی به پایان رساند و آنگاه سجده شکر به جا آورد که خداوند او را به این کار موفق داشته است.

این معلم بزرگ در تهران در گذشت و در پیشترهای خود بخاک سپرده شد. تا اینکه در سال ۱۳۷۶ در مجلس بزرگ‌گذاشتی که در تبریز برای وی برگزار گشت تصمیم گرفته شد، مقبره‌اش را به تبریز منتقل نمایند. این کار بعد از ۸ سال محقق شد و قبر استاد را از تهران به مقبره الشعرا تبریز منتقل دادند. رحمة الله عليه رحمة واسعة.

منابع *

۱. مهر معلم، ج ۲، چ ۲، گفت و گو با فرهیختگان آموزش و پرورش اذربایجان شرقی، ۱۳۸۱.
۲. ویژه‌نامه فرهنگی روزنامه اطلاعات شماره ۲۴۶ و ۲۴۷ (۱۳۹۶ آبان و ۴ اذر) (۱۳۹۶) سایت خبرگزاری فارس.

× طاهر معلم خط می‌شود ×

می‌دانیم که در گذشته خط خوب نه تنها یک مهارت، بلکه یک فضیلت محسوب می‌شد. مردم اگر می‌خواستند بدانند شخصی تا چه پایه اهل دانش و فرهیختگی است می‌پرسیدند «خطش چطور است؟». طاهر خوشنویس بسیار زود به این فضیلت دست یافت و سبب شد مدرسه‌های رشدیه و فیوضات از او برای تعلیم خط به دانش‌آموزان دعوت کنند. بنابراین طاهر خوشنویس از ۱۷ سالگی معلم شد و تا ۳۵ سال در مدارس تبریز خدمت کرد تا اینکه در سال ۱۳۳۴ بازنشسته شد. خوشنویس بسیار زود شهرت یافت. طابعان و ناشران بسیار به او مراجعه می‌کردند و از او می‌خواستند کتابی را برایشان بنویسد تا چاپ کنند. از همین روزت که تعداد آثار قلمی او به حد اعجاب‌آور ۲۵۰ کتاب و ۲۵ بار خوشنویسی قرآن می‌رسد. از این میان چهار بار نیز نهجه‌البلاغه، ۶ بار مفاتیح‌الجنان و یک بار تفسیر جوامع‌الجامع را به عربی در ۱۶۰۰ صفحه خوشنویسی کرد.

× خوشنویس و شهریار ×

میان محمدحسین شهریار و طاهر خوشنویس رابطه‌ای دوستانه و صمیمی برقرار بود. منزل آن دو به یکدیگر نزدیک بود و شهریار هفته‌ای دویسه بار به منزل خوشنویس می‌آمد و نزد استاد مشق شکسته تحریری می‌کرد. در همین ارتباط بود که وقتی شهریار منظومه بلند حیدریا را سرود طاهر خوشنویس در سال ۱۳۳۲ آن را به خط خوشنویش نوشت. شهریار این دو بیت را در وصف استاد خود سروده است:

مردی که خطش نفیس باشد
آن طاهر خوشنویس باشد
در مشق جلی و نسخ و تحریر
استاد بود، به نیک تعبیر

فرزند مر اشق بیاموز و دگر هیچ

گفت و گو با
دکتر ابوالفضل بختیاری
مدرس دوره‌های آموزش
ضمن خدمت

سعیده باقری



آموزش حین خدمت^۱، یکی از روش‌های بازآموزی و همآموزی معلمان است که در جهان قدمت بسیاری دارد. در این نوع خاص از آموزش ضمن خدمت^۲، معلمان در همان محیط کار خود، در گروههای کوچک و بزرگ به آموزش و یادگیری خود، همکاران و همتایانشان^۳ می‌پردازند. با توجه به اظهارنظر یکی از معلمان موفق دوره ابتدایی که تجربه خوبی از شرکت در یک دوره ضمن خدمت از این نوع داشت، به سراغ دکتر ابوالفضل بختیاری، مدرس دوره مذکور که خود روزگاری معلم ابتدایی بوده و در حال حاضر در سطوح دانشگاهی و حوزوی تدریس می‌کند رفتیم تا با تجربه زیسته ایشان در برگزاری دوره‌های ضمن خدمتی که ادعا شده متفاوت از دوره‌های دیگر بوده است، آشنا شویم.

رشد معلم لطفاً به طور خاص درباره دوره‌های درس‌پژوهی و اقدام‌پژوهی که برگزار کرده‌اید، توضیح بدهید.

بحث درس‌پژوهی که به زعم من «تدریس‌پژوهی» درست است، در چند سال اخیر مورد توجه قرار گرفته است؛ خوب است بدانیم که در سال ۱۳۷۲ آقای دکتر مهرمحمدی، رئیس فعلی دانشگاه فرهنگیان و رئیس پژوهشکده تعلیم و تربیت آن زمان، کاری جدید به نام اقدام‌پژوهی را شروع کردند. در آن

دوره تلاش‌های بسیار خوبی انجام شد و مدرسه‌ها مارا به عنوان مدرس برای تدریس دوره‌ها دعوت می‌کردند. در اقدام‌پژوهی، معلمان (یا کارگزاران آموزشی) با مسئله‌ای کوچک، که خودشان درگیر آن بودند، کار می‌کردند و گام به گام جلو می‌رفتیم. مثلاً معلمی می‌گفت، دانش‌آموزی دارد که در انشا یا املاء ضعیف است. از همین‌جا طرح اقدام‌پژوهی شکل می‌گرفت. از عنوان شروع می‌کردیم و می‌گفتیم که عنوان به چه شکل باید نوشته شود. به همین ترتیب جلو

**فرهنگ آموزش
ضمن خدمت
باید بتواند
ارزش‌های
مشترک، باورها،
هنغارها،
رفتارها، دانش‌ها،
بینش‌ها،
هنرها، عادات
و آداب معلمان
و کارگزاران
آموزشی را
تغییر دهد و
شاید مهم‌ترین
آن تغییر نگرش
معلمان باشد**

یاد می‌گیریم. وقتی سعی می‌کنم خوب یاد بدهم، خودم هم خوب یاد می‌گیرم. خاطرهای دارم از دوستی (دکتر عباس حبیب‌زاده استاد دانشگاه قم) که در رابطه با تدریس پژوهی کار کرده است. ایشان روایت می‌کرد، معلمی از این جنس گفت: «آقای دکتر عزیز، من بعد از ۲۰ سال تدریس ریاضی فهمیدم که می‌توانم از معلم تازه کاری که تازه لیسانس گرفته است، فلان مبحث را که تا به حال به اشتباه درس می‌دادم، یاد بگیرم!» این طور نیست که حتماً معلمی که سابقه‌اش بیشتر است، از همکار خود یاد نگیرد. در فرایند گفت‌وگو ایده‌های جدید خلق می‌شود. چون دارید فرایند تدریس و یادگیری را بازاندیشی می‌کنید.

رشد صد آقای دکتر، برداشت من این است که در واقع شما در ضمن خدمت فضایی ایجاد کردید که معلمان بنشینند فکر کنند، بشنوند، بگویند و درس پژوهی انجام دهند.

بله. اصلاً شعار آموزشی این است: «When I do, I learn!» (وقتی انجام می‌دهم، یاد می‌گیرم!) و در دنیای جدید حرف این است که: «When I learn, student learn!» (وقتی یاد می‌گیرم، دانش آموز هم یاد می‌گیرد!) در دوره‌های قدیم (کهن)، معلم خودش را «علامه دهر» می‌دانست. بعضاً در مدرسه‌ها، در دوره‌ها، معلمانی پیدا می‌شوند که تا شروع می‌کنیم می‌گویند که نمی‌شود. من هم می‌گویم که: «چو فرمایی که نتوانم، برو بشنین که نتوانی!» کسی که می‌اید و می‌گوید می‌شود، آستین‌ها را بالا می‌زند و شروع می‌کند و حتماً یاد می‌گیرد. همین چند روز پیش، مدرسه‌ای ما را دعوت کردند، اول که رفتم، یک معلم بلند شد و گفت این‌ها که شما می‌فرمایید، شدنی نیست! گفتم که: «چو فرمایی که نتوانم، برو بشنین که نتوانی!» خود مدیر و معاونان مدرسه می‌گفتند که ایشان همیشه می‌گوید نمی‌شود!

رشد صد به نظر شما وضعیت فعلی آموزش ضمن خدمت برآوردنده نیازهای واقعی معلمان است؟

می‌رفتیم. بعد مقدمه و...، در پایان به نظر می‌رسید خودشان حس خوبی داشتند. با کمک خودشان هم مسئله‌یابی و مسئله‌کاوی می‌کردیم. بعد از کارگاه، معلمان می‌گفتند که ما اقدام‌پژوهی را خیلی بزرگ، دشوار و مشکل می‌دیدیم، ولی الان برایمان ساده شد.

در تدریس پژوهی، معلمان هم‌پایه، سه چهار نفر، گروه تشکیل می‌دادند. مثلاً سه معلم اول ابتدایی، یا سه معلم سوم ابتدایی، با هم می‌نشستند و مبحث درسی یا مسئله‌ای را که دانش آموزان در آن مشکل دارند، پیدا می‌کردند؛ مثلاً جمع و تفریق دو رقمی، یا هرچیز دیگری را که دانش آموزان در کلاس خوب یاد نمی‌گرفتند. برایش طرح درس می‌نوشتند و در کلاس اجرا می‌کردند. بعضًا من هم در انتهای کلاس با معلمان دیگر می‌نشستم و نحوه تدریس او را مشاهده می‌کردم. بعد از این مشاهده در دفتر می‌نشستیم و گفت‌وگوی حرفه‌ای رقم می‌خورد. در این گفت‌وگوها می‌گفتند اولین بار است که ما توانستیم با هم بنشینیم و گفت‌وگوی حرفه‌ای داشته باشیم.

در تدریس پژوهی، معلم در اتفاق خود را به روی همتا (همکار) باز می‌کند، در حالی که قبل از آن ذهن خود را به روی یافته‌های جدید باز کرده است.

رشد صد در فرایند تدریس پژوهی، گفت‌وگو چه جایگاهی دارد؟ در گفت‌وگو، ایده‌های جدید شکل می‌گیرند. در «گفت‌وگو» من از شما یاد می‌گیرم و شما از من یاد می‌گیرید، چون قرار «گفت» و «گو» است. من یک ایده دارم، شما هم یک ایده دارید، وقتی با هم حرف می‌زنیم، دو ایده داریم.

در تدریس پژوهی (یا درس پژوهی) معلم به فکر بهبود و اصلاح تدریس و معلمی (بهزعم استاد سرکار آرانی) خود است (به همین علت من می‌گویم تدریس پژوهی صحیح است). معلم به این فکر می‌کند که چه کند تا دانش آموزانش بهتر یاد بگیرند. حتماً در تدریس پژوهی معلم خودش هم رشد می‌کند و یاد می‌گیرد و به رشد حرفه‌ای همکار (همتایش) کمک می‌کند. همان‌طور که ما هم در این کلاس‌های ضمن خدمت، از معلمان

**نواندیشی یعنی
ایجاد یک فکر
بکر و راهکار نو
برای حل مسئله
در مدرسه**

کتابهای جدید معرفی کنم، اما اگر ضمن خدمت خوب اجرا نشود و یافته جدیدی برای معلمان نداشته باشد، آنها از آن استقبال نخواهند کرد. مسئولان و دستاندرکاران برگزاری آموزش حین خدمت نقش سیار مهمی در کیفیت کلاس‌های ضمن خدمت دارند.

رشد مدد من در صحبت‌هایتان متوجه شدم، این نگاه شما که در دوره‌های ضمن خدمت خودتان را هم تراز معلمان می‌بینید و از موضع بالا وارد نمی‌شوید، در برقراری ارتباط شما بسیار تأثیر دارد. ارتباط عاطفی باید برقرار شود. همین حالا که من با شما صحبت می‌کنم (در حالی که بلند می‌شوند و دوباره از در اتاق وارد می‌شوند)، اگر من وارد شوم و بنشینم، می‌تواند ارتباط مؤثر برقرار شود، اما اگر بایستم (در حالی که می‌ایستند) و از موضع بالا نگاه کنم، اصلاً نمی‌توانید ارتباط برقرار کنید.

معلم نگران است که نکند من بروم سر کلاس (ضمن خدمت) و استاد سوالی بپرسد که من بلد نباشم! (دو چشم نگران – به دنبال دگران!) نگران یادگیری است. ترس از یادگیری دارد. در گفت‌و‌گویی که من با معلمان داشتمام، می‌گویند ما وقتی می‌آییم اینجا می‌نشینیم، دغدغه داریم. خانم مدیر و همتای (همکار) من نشسته‌اند. استاد ضمن خدمت چیزی نپرسد که من بلد نباشم! چون نگرانم، حتی از یادگیری هم می‌ترسم. به‌نظر می‌رسد ما از یادگیری می‌ترسیم!

مدیر و معلم به ما می‌گوید که: «آقای بختیاری، یک نکته به من بگو که من با خودم ببرم به مدرسه و کلاس، یک مسئله دانش آموز را شناسایی و حل کنم. آقای پیازه این را گفت. دیوئی، کارдан، شکوهی، هوشیار، دکرولی و... این را گفت، خوبه، ولی یک مسئله و راه حل مشکل را به من یاد بده که بتوانم در عمل آن را به کار ببرم.» من در دوره دکترا کتاب دکتر کارдан ۵۰ اندیشمند علوم تربیتی (انتشارات سمت) را درس می‌دهم. این کتاب را معرفی می‌کنم، می‌گوید من توان خواندن این کتاب ۵۰۰ صفحه‌ای را ندارم. از آن ۵۰ اندیشمند یک نکته به من بگو که به کارم باید. من هم می‌نویسم که دکرولی گفت: «مدرسه باید محل زندگانی بچه باشد» تا با آن حال کند،

محاسن‌ش را گفتیم، حال عیب‌های ضمن خدمت را هم بگوییم. یکی اینکه وقت‌های مرده را اختصاص می‌دهند به این کار، که وقت مناسبی برای یادگیری نیست. معلمی که از صبح تا ساعت دو بعدازظهر درس داده، هر چقدر هم استادش علامه دهر باشد، نمی‌تواند یاد بگیرد. هم خسته است و هم دغدغه خانه، بچه و همسر را دارد. دیگر اینکه به‌خاطر پیشینه بدی که ضمن خدمت‌ها داشته‌اند، از آن‌ها خوب استقبال نمی‌شود. ادعا می‌شود این دوره‌های آموزشی شوق و ذوقی ایجاد نمی‌کنند! باید **سوق یادگیری** را در معلمان ایجاد کرد. یعنی کاری کنیم که یادگیری برایشان ملموس و محسوس شود. آموزش ضمن خدمت باید شوق یادگیری ایجاد کند و معلم به بازاندیشی و تأمل در عمل تدریس خود بپردازد.

روح پدرم شاد که فرمود به استاد

فرزند مرد عشق بیاموز و دگر هیچ

من به معلمان می‌گوییم که نمی‌خواهد کاری انجام دهید، فقط کاری کنید که این بچه حس خوب داشته باشد. اگر این کار را گردید، مطمئناً می‌رود و یاد می‌گیرد. اگر این حس را ایجاد نکنید، بهترین حرف دنیا را هم بزنید، اصلاً برایش معنادار نیست! و معلمان هم در ضمن خدمت‌ها کمی در این بخش مشکل دارند. ما سعی می‌کنیم ارتباط عاطفی برقرار کنیم، به آن‌ها نزدیک می‌شویم و حرف می‌زنیم و اولین کلام این است که من هم از حس خودتان هستم. دستم روغنی است، از آن مکانیک‌های آچار به دست هستم. وقتی می‌روم مدرسه، می‌گوییم افتخار من این است که با معلمی شروع کرده‌ام و با هم گفت‌و‌گویی را شروع می‌کنیم و راحت می‌شویم و بعد می‌روم توی گود و کتابی باز می‌کنیم. به‌نظر می‌رسد مدرسه‌ها بهترین محل یادگیری هستند نه دانشگاه‌ها (مدرسه‌ها می‌شوند مدرسه یادگیرند).

من اعتقادم این است که آموزش ضمن خدمت اگرچه ممکن است مشکلات اجرایی (اداری) داشته باشد، اما اگر بباید در کلاس و مدرسه، می‌تواند کارا و اثربخش (کارآمد) باشد. مدرسه‌هایی رفته‌ام که معلم تا آخرین لحظه می‌نشینند، از هشت صبح تا شش بعدازظهر کلاس بوده، باز هم بعد از کلاس می‌آید و می‌گوید می‌شود مطلب نو یا کتاب جدیدی به من معرفی کنید؟ و من سعی می‌کنم

**نوآوری و
نوجویی،
اصلی‌ترین عامل
در موفقیت
نظامهای
آموزشی است**

تفاوت‌های درس‌پژوهی و اقدام‌پژوهی

درس پژوهی	اقدام پژوهی
درس پژوهی در نقطه عمل	ازثوری در عمل
هدف: پرورش حرفاي معلم	هدف: انجام پژوهش در حین عمل
ماهیت: بازاندیشی (تفکر)	ماهیت: تفسیر داده‌ها
بهسازی کلاس درس	بهسازی فرایند آموزش و نتیجه بهتر
قابل اجرا فقط در کلاس و مدرسه	قابل اجرا در هر سازمانی
بیشتر ارگانیک و کمتر سیستماتیک	بیشتر سیستماتیک
خیلی جزئی و محدود	گسترد
قابل اجرا فقط به صورت گروهی	قابل اجرا به صورت فردی و گروهی
دارای طرح درس و راهنمای عمل خاص	بدون راهنمای عمل خاص
تأکید بر غنی‌سازی و فرایند آموزش و یادگیری	تأکید بر شناخت مسئله و بهسازی عمل در سازمان‌ها
توجه به برنامه درسی	توجه به شناخت مسئله و کاربرد یافته‌ها
همیتی بر برنامه درسی	غیر همیتی بر برنامه درسی

جدول تفاوت‌های اقدام‌پژوهی و تدریس‌پژوهی به نقل از مقاله معرفی شده

(کلاس یادگیرنده - مدرسه یادگیرنده). در ضمن خدمات‌ها افرادی فقط می‌آیند، اول ساعت اسماشان را می‌نویسند و می‌روند و آخر وقت می‌آیند مدرک می‌گیرند. این مدرک هیچ فایده‌ای ندارد. در ضمن خدمات‌هایی که من برگزار می‌کنم، هیچ مدرکی به افاده نمی‌دهند.

بی بوست

1. On The Job Training
2. In Service Education
3. Peer
4. Fun Education
5. Lesson Study
6. Teaching
7. Action Research
8. Facilitator
9. Life Long Learning (LLL)

منابع

برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به:
۱- بالفضل بختیاری (آذر ۱۳۸۷).
درس پژوهی‌گویی رانی برای
رشد فرهنگی معلمان در کلاس
درس. پژوهش‌نامه اموزشی
شماره ۱۰۴. تهران: پژوهشگاه
موزه‌پرورش.

۲- ابوالفضل بختیاری (۱۳۹۳).
درس پژوهی (درس پژوهی).
تهران: انتشارات آوای نور

۳- ابوالفضل بختیاری (۱۳۸۲).
قدام‌پژوهی. تهران: انتشارات
لوح زرین.

لشاد معلم پس چطور برگزار می شود؟
مد. سه هادی عوتم می کنند.

لشد معلم يعني خود مدیر تصمیم گیرد؟

آموزش همراه با شادی و نشاط باشد، آموزش همراه با بازی باشد، حس خوب به بچه بدهد. دانش آموز و دانشجو و همین طور شرکت کنندگان در دوره های ضمن خدمت، با سکوت شناس این پیام را منتقل می کنند که: «تو آوردي اينجا مرا هی داري تهدید می کني، تحقير می کني، قرار بود تشويق کبني - شوق يادگيری در من ايجاد کنی!! من اصلا يادگيری برايم اتفاق نمی افتد، من از يادگيری می ترسم (دارد ننم می لرزد!!!)، اصلا شوق در من ايجاد ننم شود! می ترسم، کز کردم که نکند بپرسید! با گاردنسته مه آیم!» فرهنگ آموزش ضمن خدمت باید بتواند ارزش های مشترک، باورها، هنجارها، رفتارها، دانش ها، بینش ها، هنرها، عادات و آداب معلمان و کارگزاران آموزشی را تغییر دهد و شاید مهم ترین آن ها تغییر نگش معلمان باشد.

رشد **مدد** نکته دیگر اینکه چون شما در دوره‌ها اقدام پژوهی و تدریس پژوهی را آموزش می‌دهید، لطفاً تفاوت این دوره‌ای را توضیح دهید.

بله. درس پژوهی **مخصوصاً** می‌خواهد به معلمی و تدریس **بپردازد** (به نقل از دکتر سرکار آرانی)، اما اقدام پژوهی **یعنی** معلم در کلاس و مدیر در مدرسه با یک مسئله مثلاً ناخن جویدن بچه، یا بادخشی او مواجه است و می‌خواهد آن را شناسایی و حل کند. اقدام پژوهی را هر کسی در مدرسه، مثل معلم، مدیر، معاون، دفتردار و مربی می‌تواند انجام دهد، اما **تدریس پژوهی** «به کلاس درس بر می‌گردد. اگرچه هردو می‌خواهند فرایند آموزش و یادگیری را بهمود بخشنند، اما یکی از طریق بهبود تدریس و دیگری از طریق حل مسئله به دنبال این کار است. من در مقاله‌ای در مجله **پژوهش نامه آموزشی**، فرق اقدام پژوهی و درس پژوهی را مفصل‌اً توضیح دادم (جدول رویه رو) نساؤری و نوجویی، اصلی ترین عامل در موفقتی نظامهای آموزشی است.

من معايير دیگر ضمن خدمت‌هاراهم پررنگ کنم: ضمن خدمت باید این حالت رسمی، تشریفاتی، اداری، دستوری و فرمایشی بیرون بیاید. تا وقتی که ضمن خدمت وسیله‌هایی باشند برای گرفتن مدرک‌هایی بدون یادگیری معنادار، هیچ ارزشی ندارند. باید معلم‌ها در کلاس‌ها و مدرسه‌ها زیرا هم باید بگیرند



حقوق دانش‌آموزی

در منابع حقوقی

احمد مختاریان

منابع بیان‌کننده حقوق خاص دانش‌آموزی در ایران دانست. متأسفانه مراجع صالح قانونگذاری در ایران نسبت به این امر اقدامات جدی و مؤثری را به نام خود ثبت ننموده‌اند. امید است این مهم در آینده‌ای سپیار نزدیک صورت گیرد و بتواند الگویی در خور را به جهان تعلیم و تربیت ارائه نماید.

آچه، در حال حاضر، به صورت عادی در مدارس و دانشگاه‌ها - تقریباً در سراسر جهان - مشاهده می‌شود این است که هر دانش‌آموز یا دانشجو باید برگه‌هایی را تکمیل و امضا نماید که حاکی از تعهدات وی در قبال مدرسه و دانشگاه است، اما، در مقابل، هرگز برگه‌های تکمیل و امضا شده‌ای را که حاکی از حقوق به رسمیت شناخته شده، خودش باشد دریافت نمی‌دارد. امروزه در برخی نقاط جهان مدارس و دانشگاه‌هایی یافت می‌شوند که برگه‌هایی تحت عنوان «حقوق دانش‌آموزان» و یا «حقوق دانشجویان» را در ابتدای ورود دانش‌آموزان و یا دانشجویان در اختیار آنان قرار می‌دهند. و از این طریق آن‌ها را با حقوق‌گشان آشنا می‌کنند. امید است این امر در همه مراکز

امروزه یکی از مسایل و دغدغه‌های اصلی دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت و نیز حقوق دانش، در مجتمع بین‌المللی، حقوق دانش‌آموزی است. نگارش و تدوین منشورهای مختلف حقوق دانش‌آموزی و یا اعلام رسمی حقوق دانش‌آموزان به آنان و آموزش آن به مربيان و معلمان و دانش‌آموزان و دانشجویان در حال گسترش است. برای مثال می‌توان به «منشور حقوق دانش‌آموزی» در ایران اشاره نمود. این منشور در شش فصل تنظیم شده و در مجموع دارای ۳۶ ماده است. فصل‌های آن عبارت‌اند از: حقوق اساسی دانش‌آموز، حقوق آموزشی دانش‌آموز، حقوق ضمن آموزشی دانش‌آموز، حقوق مربوط به آزمون دانش‌آموز، حقوق بهداشتی دانش‌آموز و حمایت‌های خاص دانش‌آموزی. این منشور جنبه قانونی و الزام‌آور پیدا نکرده است.

قانون اساسی و قانون مدنی، مهم‌ترین منابع برای استخراج حقوق عام دانش‌آموزی در ایران هستند. دستورالعمل‌های وزارت آموزش و پرورش و یا مصوبات هیئت دولت را می‌توان

آموزشی مانیز فرآگیر شود.

هر فرد انسانی، به دلیل انسان بودن، دارای حقوق مشترکی با دیگر انسان‌ها می‌باشد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این دسته از حق‌ها این است که نمی‌توان آن‌ها را سهم‌بندی نمود؛ به این معنا که نمی‌توان برای برخی از انسان‌ها سهم‌بیشتری نسبت به برخی دیگر در نظر گرفت. این حقوق برای همه‌افراد یکسان است. چنین حقوقی را «حق‌های نوعی» یا «حق‌های طبیعی» می‌نامند. حق زندگی و حیات، حق خوارک، حق مسکن، حق امنیت، حق آرامش، حق نور، حق داشتن شغل، حق داشتن خانواده، حق سلامت، حق رفت‌وآمد، حق اندیشیدن، حق دانایی و آگاهی، حق محترم شمرده شدن جان، حق محترم شمرده شدن دارایی افراد، حق محترم شمرده شدن آبروی افراد و حقوق دیگری مانند آن‌ها، مثال‌هایی از حقوق نوعی هستند. برای مثال، سهم همه انسان‌ها از حق حیات به یک اندازه است. نمی‌توان پذیرفت که برخی از انسان‌ها از حق حیات برخوردار باشند و برخی از این برخورداری محروم گردند. ویژگی مهم دیگر این گونه حق‌ها این است که تا پایان حیات شخص، برقرار و ثابت‌اند. برای مثال نمی‌توان برای هیچ‌یک از انسان‌ها مدت‌زمان زندگی خاصی؛ عمر و طول زندگی مشخصی را معین نمود.

سومین ویژگی مهم این گونه حقوق آن است که معمولاً با پیدایش جنین زنده، تحقق می‌یابند. یعنی زنده بودن جنین در بدن مادر برای تعلق گرفتن حقوق نوعی به او کفايت می‌کند. نمی‌توان جنین زنده را از حقوق نوعی اش محروم نمود؛ حق حیات جنین زنده محترم است. جنین زنده می‌تواند صاحب اموال و دارایی باشد. نمی‌توان سلامت او را به خطر انداخت. هیچ‌یک از مراجع صالح قانونگذاری مجاز نیستند چنین حقوقی را از انسان بهطور کلی سلب نمایند. امروزه به این گونه حق‌ها، «حقوق بشر» گفته می‌شود. منشأ چنین حقوقی نظام آفرینش است.

دسته دیگری از حق‌ها وجود دارند که در میان همه یکسان نیستند. این حقوق وابسته به سن، جنس، جایگاه اجتماعی، دین و ملیت افراد است. برای مثال معلمان به عنوان یک طبقه اجتماعی دارای حق‌هایی هستند که دیگر طبقات جامعه از آن برخوردار نیستند.

اکنون با توجه به مطالب فوق، توجه همگان به ویژه همه کارکنان نظام آموزش‌وپرورش را به موارد زیر جلب می‌نماید: هر شخصی که دانش‌آموز یا دانشجو محسوب شود، دارنده دو دسته از حقوق خواهد بود: حقوق انسانی و حقوق دانش‌آموزی یا دانشجویی.

حقوق مرتبط با انسان بودن

این حقوق همان حقوق نوعی یا به عبارت دیگر «حقوق انسانی» است که اگر از منظر آموزش‌وپرورش به آن نگاه کنیم، مهم‌ترین آن‌ها عبارت خواهد بود از:

۱ حق آموختن و نادانی‌زدایی

حق را فراهم می‌آورد. لازمه چهارم، خود از لوازم حق برخورداری از منابع علمی و آموزشی است، حق استفاده و انتخاب منابع علمی و آموزشی است. نمی‌توان منبع علمی خاصی را به دانش‌آموز تحمیل نمود. نمونه توجه به این حق را در دانشگاه‌ها می‌توان مشاهده کرد که در آن استاد اقدام به معرفی چند منبع درسی و کمک‌درسی می‌کند و دانشجو را در انتخاب و مطالعه آن‌ها آزاد می‌گذارد. متأسفانه امروزه این روش پستدیده در دانشگاه‌های ایران در حال منسخ شدن است، زیرا برای هر درس کتاب مشخصی تألیف و بر تدریس آن تأکید و استناد به این کار ملزم شده است. وبالاخره، لازمه پنجم این حق، حق برخورداری از لوازم التحریر است.

اسلام (ص) درباره آموختن دانش از گهواره تا گور، بیان روش این حق است. یکی از لوازم این حق، حق انتخاب آزادانه معلم است. هر دانش‌آموزی حق دارد معلم خود را شخصاً انتخاب نماید. اعمال این حق را در انتخاب واحد دانشگاه‌ها و سبک آموزشی حوزه‌های علمیه می‌توان به روشی ملاحظه نمود. از لوازم دیگر این حق، حق انتخاب مدرسه است. هر دانش‌آموز حق دارد تا آزادانه محل تحصیل خود را انتخاب نماید. اعمال این حق در نظام آموزش‌وپرورش با دشواری‌هایی روبرو است اما می‌توان آن را در حوزه‌های علمیه مشاهده نمود. لازمه سوم این حق، حق برخورداری از منابع علمی و آموزشی است. وجود کتاب‌های درسی و کمک‌درسی، زمینه اجرای این

۲ حق محترم

شمرده شدن جان

مورد توجه قرار گیرد و حتماً جهت پیگیری‌های پزشکی و روانی به اطلاع اولیای او رسانده شود.

هر گونه تنبیه بدنی و یا روانی که سلامت جسمانی یا روحی دانش‌آموز را بر هم زند ممنوع است، اما تنبیهات بدنی و یا روانی که فاقد چنین اثر یا اثراتی باشند ممنوع نبوده و قانونگذار آن‌ها را منع نکرده است.

امکانات و وسایل موجود در مدرسه باید به گونه‌ای باشد که زمینه‌ساز رخ دادن حوادث مخاطره‌آمیز نباشد.

مدرسه در مقابل هر گونه آسیب جسمانی و روانی وارد به دانش‌آموز دارای مسئولیت کامل است و باید نسبت به جبران آن و برداخت ضرر و زیان‌های وارد شده به دانش‌آموز اقدام نماید.

هر گونه وضعیت و نشانه‌ای که گویای پیدایش بیماری در دانش‌آموز است باید

رفتار معلم و مدرسه نباید به گونه‌ای باشد که سلامتی و یا حیات دانش‌آموز را با خطر مواجه نماید. سرپا نگه داشتن دانش‌آموز برای مدت طولانی و یا اجازه خروج ندادن به وی برای استفاده از سرویس بهداشتی و یا در صورت لزوم خوردن دارو از مواردی است که سلامت دانش‌آموز را تهدید می‌کند. ساختمن و

۳ حق محترم

شمرده شدن آبرو

در همه نظام‌های حقوقی جهان آبروی افراد محترم شمرده شده است

است. تنبیهات و محرومیت‌ها باید به گونه‌ای باشند که بیش از قدر ضرورت آبروی دانش‌آموز را نشانه نرفته باشد. اعاده حیثیت حق همه انسان‌ها است.

و هر گونه تجاوز به آن جرم تلقی شده و دارای مجازات است. بر همین اساس، هر رفتاری که باعث آسیب دیدن آبرو و جایگاه و شخصیت دانش‌آموز شود ممنوع

حقوق ناشی از دانش‌آموز یا دانشجو بودن

برخی از این حقوق با موارد گفته شده در بالا مشترک است، اما موارد اختصاصی آن به شرح زیر می‌باشد:

وسایل کمک‌آموزشی، تهیه لوازم التحریر با نام خاص، شرکت الزامی در برخی آزمون‌ها، شرکت الزامی در برخی اردوها و مانند آن‌ها دارای وجاهت قانونی و گاهی عقلی نیز نیست. دانش‌آموز و اولیای وی در زمینه تأمین یا عدم تأمین چنین هزینه‌هایی دارای اختیار کامل هستند. تهدید به مجازات و یا محرومیت از کلاس و یا کسر نمره، رفتارهای غیرقانونی تلقی شده و قابل طرح در مراجع صلاحیت‌دار خواهد بود. صدور مجوز و یا بخشنامه از سوی مقامات آموزش و پرورش برای این امور حتی اگر مخاطب آن دانش‌آموزان سراسر کشور باشند؛ غیرقانونی است. تمسک برخی معلمان و یا مدیران به چنین مجوزها و یا بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها، برطرف‌کننده مسئولیت آنان نخواهد بود.

۵ حق بهره‌مندی از تکالیف درسی؛ یکی از حقوق بسیار مهم دانش‌آموزان حق بهره‌مندی از تکالیف و وظایف درسی است. هر معلم باید حسب ضرورت تکالیف درسی مانند نوشتن از روی درس، نوشتن تمرين، خواندن درس، حفظ کردن درس و مانند آن‌ها را برای دانش‌آموزان خود تعیین نمایند. معلمانی که برای دانش‌آموزان خود تکلیفی را مقرر نمی‌دارند این حق را نادیده گرفته‌اند. حتی معلمان تربیت‌بدنی نیز باید تکالیفی را برای دانش‌آموزان معین نمایند و اجرای آن‌ها را تحت نظارت داشته باشند.

۱ حق پرسش؛ هر دانش‌آموز حق دارد سوالات خود را که دارای ارتباط با موضوع درس‌اند در محیط کلاس و یا خارج از آن با رعایت ضوابط مطرح نماید. پاسخ ندادن معلم به پرسش‌های مجاز تضییع این حق خواهد بود.

۲ حق آگاهی یافتن از میزان یادگیری؛ هر دانش‌آموز حق دارد از میزان یادگیری خود مطلع شود. این حق با ارائه پلی‌کپی‌های درسی به دانش‌آموز نیز گرفتن و آزمون‌های شفاهی، کلاسی یا رسمی تحقق می‌یابد.

۳ حق بازی و ورزش؛ وجود این حق برای دانش‌آموز کاملاً مورد وفاق همه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت است. دانش‌آموز باید بتواند زمانی را به بازی یا ورزش اختصاص دهد. پس برنامه‌بازی‌های درسی باید به گونه‌ای باشد که زمان بازی یا ورزش را از دانش‌آموز سلب نکند. البته میزان مناسب آن را متخصصان تعلیم و تربیت معین می‌سازند. وجود چنین حقی در دوره تحصیلات عالی و تکمیلی مورد تردید است، به طوری که در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری دیده نشده است.

۴ حق عدم تحمیل هزینه‌های غیرضروری؛ منظور این است که معلم و یا مدرسه فقط می‌تواند هزینه‌هایی را از دانش‌آموز طلب کند که قانون آن‌ها را مجاز دانسته یا ضروری تشخیص داده است. مثلاً هزینه بیمه حوادث از هزینه‌هایی است که قانون آن را تجویز نموده است. هزینه‌هایی مانند تهیه الزامی برخی



نظام آموزشی کشور

باید به خودش آموزش دهد

گزارشی از دومین کنفرانس
توسعه و عدالت آموزشی

نصرالله دادر



دومین «کنفرانس توسعه و عدالت آموزشی» با شعارهای: همدلی و هم زبانی مردم و سیاست گذاران برای کاهش فقر آموزشی کودکان، تبدیل مدارس به پیشروان فقرزدایی و نشاط آفرینی پایدار در چشم انداز ۱۴۰۴، در تالار علامه امینی دانشگاه تهران برگزار شد.

در رفتن به مدرسه، افزایش رضایتمندی معلمان است. دکتر نوبخت افزود: البته می دانیم که همه معلمها به بعد مادی این مسئله نگاه نمی کنند، بلکه تأکید دارند که در مقایسه با سایر نهادها و ارگانها، باید ارزش کار آنها دیده شود. وی همچنین گفت: «امسال رتبه بندی معلمان را احرا کردیم که در سال آینده توسعه می یابد.»

ضرورت توسعه آموزش پیش دبستانی
محمد رضا واعظ مهدوی، رئیس کنفرانس، در مراسم افتتاحیه آن باشاره به ارزیابی های به عمل آمده در خصوص افت تحصیلی دانش آموزان گفت: «آمار مردودی های پایه اول باید به طور ویژه مورد توجه قرار گیرد و راه حل ویژه پیش بینی شده برای حل این مشکل، توسعه پیش دبستانی

دکتر محمد باقر نوبخت معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور که سخنران افتتاحیه این کنفرانس بود، با بیان این نکته که از سال ۱۳۹۲ تاکنون اعتبارات آموزش و پرورش بیشترین رشد را داشته و دو برابر شده است، افزود: «ما برای نخستین بار در بودجه ۱۳۹۵ ردیف ویژه ای برای توسعه عدالت آموزشی در نظر گرفته ایم.» آنکه، با بیان اینکه یکی از مسائلی که ما با آن روبرو هستیم نبود انگیزه کافی در معلمان برای تدریس است، گفت: وقتی معلم احساس کند در نظام اداری کشور نایابی ری در پرداختها وجود دارد شاید نتواند به خوبی ایفای مسئولیت کند و این احساسی مخرب و بازدارنده است. بنابراین، مسئولیت ما از رو به راه کردن وضعیت اقتصادی خانواده ها و توانمند کردن آن ها برای فرزندانشان

زرافشان درباره سه ساله شدن هنرستان‌ها گفت: «از سال تحصیلی آینده، ورودی به پایه دهم در شاخه‌ها و رشته‌های نظری، فنی و حرفه‌ای و کارداش خواهد بود.» او ادامه داد: «سه ساله شدن هنرستان‌ها موجب ارتقای کیفیت می‌شود چرا که سال نخست هم عمومی و هم مهارتی است.

اکنون دانشآموزان در هنرستان‌ها ۴۳ واحد عمومی و ۵۳ واحد تخصصی دارند که سال آینده نیز این تناسب برقرار خواهد بود؛ اما ساعات مهارتی آن‌ها افزایش می‌یابد و به همین جهت، امیدواریم ارتقای کیفیت انجام گیرد.»

یکسان و مشابه دیدن بچه‌ها، بی‌عدالتی آموزشی است

دکتر گلستان مهران، عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا یکی دیگر از سخنرانان کنفرانس در پنل تخصصی آن بود که با تشریح مفهوم بی‌عدالتی آموزشی گفت: «به رسمیت نشناختن دانشآموزان توسط معلمان و دست‌اندرکاران مدرسه‌ه و آموزش‌وپرورش، یکسان و مشابه دیدن یا فرض کردن بچه‌ها، عدم توجه به گوناگونی جمعیت کشور، تبعیض در محتوای آموزشی و... بخشی از بی‌عدالتی آموزشی است. وقتی آدم به عمد کسی را نمی‌بیند، دیگر نمی‌تواند برای او احساس مسئولیت کند. شناخت دیگری و احترام به او از ارکان آموزش قرن ۲۱ است.»

آیا آموزش‌وپرورش ما همه بچه‌ها را می‌بیند؟ آیا محتوای آموزشی در برگیرنده همه بچه‌هاست؟

دکتر مهران با بیان اینکه ۶۸ درصد جمعیت ایران در نقاط شهری و ۳۱ درصد در نقاط روستایی و یک درصد غیرساکن هستند، گفت: «ایرانیها از اقوام گوناگون؛ فارس، آذربایجان، کرد، بلوج، عرب، لر، ترکمن و... تشکیل شده‌اند، و نظام آموزشی کشور باید به همه این گوناگونی‌ها توجه کند، در غیر این صورت، در عمل، راه را برای تبعیض باز می‌کند.»

وی در پایان گفت: «مشارکت فعال معلمان در تهییه مواد و محتوای درسی، آموزش زبان مادری در کنار آموزش رسمی بخشی از راه کارهای توسعه عدالت آموزشی است.» او افزود: «به جای تألیف کتاب‌های خاص برای استان‌ها پیشنهاد می‌شود یک کتاب به نام سرزیمین ما ایران برای همه دانشآموزان کشور تهییه شود تا دانشآموزان با فرهنگ، آداب، رسوم و هنر همه ایرانیان آشنا شوند.»

بچه‌ها متفاوتند، آن‌ها را درک کنیم

دکتر احمد صافی، عضو هیئت علمی دانشگاه و مشاور وزیر آموزش‌وپرورش، با اشاره به این موضوع که عدالت آموزشی از بحث‌های بنیادی و اساسی



به خصوص در مناطق دو زبانه است.»

وی با بیان این نکته که در آموزه‌های دینی ما بر برخوردار شدن همه انسان‌ها از نعمت‌های الهی تأکید شده است، اظهار داشت: «براین اساس هر عاملی که باعث عدم برخورداری گروهی از انسان‌ها از موهاب‌الهی شود نامطلوب و خلاف آموزه‌های انبیا تلقی می‌شود.

واعظ مهدوی افزود: «انسان‌های بی‌ساد، آسیب دیده و بیمار، خودشان از قدرت رقابت برابر در جوامع برخوردار نیستند؛ بنابراین نظام برنامه‌ریزی موظف است با اتخاذ سیاست‌هایی، این قشر را برای رسیدن به سطوحی از توانمندی برای رقابت برابر در جامعه آماده کند.

ساختار آموزشی کشور نباید پایتخت محور باشد

میثم هاشم‌خانی دبیر دومین کنفرانس توسعه و عدالت آموزشی هم در این همایش گفت: «۷۰ درصد خانواده‌ها کمتر از هزار تومان در ماه برای هر فرزند دانشآموزشان هزینه می‌کنند.»

وی افزود: «افزایش سواد منجر به افزایش ۷/۵ درصدی درآمد در تهران و ۲/۵ درصدی درآمد در سیستان و بلوچستان می‌شود. آمار نشان می‌دهد که آموزش باید از حالت متمرکز خارج شود و ما باید از اینکه ساختارهای آموزشی پایتخت محور شود پرهیز کنیم.

هاشم‌خانی با اشاره به پرداخت یارانه نقدی به خانوارها و سهیم آن در افزایش سطح تحصیلات گفت: «زمانی که دو دهک کم درآمدتر جامعه را بررسی کردیم، متوجه شدیم که آن‌ها فقط ۸۵۰ تومان از یارانه هر ماهشان را که ۴۵۰۰۰ تومان است - صرف آموزش کرده‌اند و این نشان می‌دهد فقرزدایی آموزشی صرفاً با اختصاص پول نقد میسر نمی‌شود.

هنرستان‌ها سه ساله می‌شوند

مهندس علی زرافشان، معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش‌وپرورش دیگر سخنران روز نخست کنفرانس بود. او با بیان اینکه هنرستان‌ها از سال آینده سه ساله می‌شوند، گفت: «با افزایش ساعت مهارتی، کیفیت هنرستان‌ها افزایش می‌یابد.»



دکتر فریبا عدلی: تمرکزدایی به مفهوم انتقال قدرت و تصمیم‌گیری مشارکتی در حوزه آموزش و پرورش است. ما باید از تمرکزدایی اداری شروع کنیم و به استقلال مدرسه برسیم

اجتماعی ایجاد کند از دست داده است.» او با بیان اینکه اهمیت مدرسه از دانشگاه بیشتر است و این به هیچ وجه یک شعار نیست، اظهار داشت: «نقش مدرسه فراهم کردن امکان ایجاد یک دانش مشترک است تا براساس آن جامعه دوام و استمرار داشته باشد و افراد بتوانند زندگی اجتماعی خود را شکل دهند.» به گفته قانعی راد، مدرسه مدلی از زندگی اجتماعی است که نباید طبقاتی باشد و بر مبنای قدرت و ثروت شکل بگیرد بلکه باید مبتنی بر مناسبات انسانی، محلی و بومی باشد.»

قانعی راد افزود: «فرایندیهای وجود دارد که مدرسه را تبدیل به یک نهاد انتزاعی می‌کند. یکی از این فرایندها ارتباط با بوروکراسی و دیگری ارتباط با بازار است. هر جا آموزش گرفتار فرایند بوروکراسی می‌شود و پیوند نامیمونی را با بازار برقرار می‌کند تبدیل به یک نهاد انتزاعی می‌شود که آرمان آن صنعتی شدن، گسترش تمرکز دولتی یا بازتولید بوروکراسی است به جای آنکه در خدمت نهادسازی انسانی باشد.»

وی با بیان اینکه در حال حاضر کودکان وارد مدرسه می‌شوند تا - به غلط - یاد بگیرند که این نهاد بوروکراسی است که در کشور مشروعیت دارد، گفت: «با یکسان‌سازی کتب درسی نظم بوروکراتیک موجود در جامعه تشدید می‌شود و با مدارس طبقه‌بندی شده و استعداد برتو، بر خبرگی و توسعه آموزشی با کیفیت بیشتر تأکید می‌شود، در نتیجه، سرمایه‌های اجتماعی در کشور تخریب می‌شود و به ازای آن صنعت کنکور رشد می‌یابد.» رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران ادامه داد: «دانش آموزان در این سیستم به جای می‌رسند که کل دوران نوجوانی‌شان را به امید آیندهای موهم از دست می‌دهند و فرستت لذت بردن از زندگی، شور و شوق را در بستر یادگیری اجتماعی و از طریق یک برنامه درسی جمعی نیز از دست داده و در اتفاق‌های بسته با همسن و سالان خود رقابت پنهان می‌کنند تا در دانشگاه‌ها پذیرفته شوند.»

وی با بیان اینکه یکی از فعالیت‌ها در راستای تمرکزدایی که می‌تواند به افزایش مشارکت کودکان در مدرسه بینجامد، این است که نظام آموزش کشور، به دنبال آن باشد

آموزش و پرورش ایران و جهان است، گفت: «ما از آموزش و پرورشی صحبت می‌کنیم که بیش از ۱۳ میلیون دانش‌آموز، یک میلیون و یکصد هزار معلم و ۱۰۶ هزار مدرسه دارد و هر سال نیز ۳۰۰ میلیون جلد کتاب در ۹۰۰ عنوان منتشر می‌کند. آیا با این شرایط ما بچه‌ها را می‌شناسیم؟ آیا نیازهای فیزیکی، عاطفی، روحی... آن‌ها را در کمی کنیم؟ وی افزود: «بچه‌ها توانمندند و باید آن‌ها را دریافت. خانه و مدرسه باید آن‌ها را دریابند. بچه‌ها متفاوتند، باید آن‌ها را در کرد.»

دکتر صافی در ادامه، با بیان این نکته که داشتن نگاه علمی به آموزش و پرورش نقش مهمی در توسعه عدالت آموزشی دارد، اظهار داشت: «نقش دانشگاه فرهنگیان در گسترش عدالت آموزشی خیلی مهم است. معلمان از دانشگاه فرهنگیان می‌خواهند که به سوال‌های آن‌ها جواب دهد.

مدیران نگهبان وسایل و منتظر برخورد با خطای معلمان

دکتر فریبا عدلی، عضو هیئت علمی علوم تربیتی دانشگاه الزهرا یکی دیگر از سخنرانان دومین کنفرانس توسعه و عدالت آموزشی بود.

وی در این کنفرانس به ضرورت یافتن راهکارهای عملیاتی کاهش تمرکز در آموزش و پرورش اشاره کرد و گفت: «تمرکزدایی به مفهوم انتقال قدرت و تصمیم‌گیری مشارکتی در حوزه آموزش و پرورش است. ما باید از تمرکزدایی اداری شروع کنیم و به استقلال مدرسه برسیم. تأکید اصلی من بر روی مدیریت در آموزش و پرورش و به ویژه مدیریت مدارس است. مدارس مانیزمند مدیران تووانمند آموزش دیدهای هستند که شایستگی‌های لازم را برای انجام وظایفشان داشته باشند متأسفانه در حال حاضر اکثر مدیران مدارس ما نگهبان وسایل هستند و متصرفند که با خطای معلمان برخورد کنند.

دکتر عدلی با بیان این نکته که مهم‌ترین وظایف مدیران ظرفیت‌سازی است، گفت: «معلم بزرگ‌ترین سرمایه یک مدرسه است و باید از ظرفیت‌های او حداکثر استفاده را کرد.»

وی در پایان اضافه کرد: «تصمیم درباره زمان آموزش باید به جایی که آموزش داده می‌شود یعنی مدرسه منتقل شود.»

نظام آموزشی کشور باید به خودش آموزش بدهد

دکتر محمد امین قانعی راد رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران، با تأکید بر اینکه مهم‌ترین کارکرد مدرسه، کارکرد اجتماعی است، گفت: «متأسفانه در حال حاضر آموزش، در کشور ما، کارکرد خود را به عنوان نهادی که بتواند زمینه‌ای برای شکل‌گیری عدالت و همبستگی عدالت و همبستگی

دکتر محمود مهر محمدی:

نمی‌گوییم سهم دولت را در نظام آموزشی کشور کم کنیم؛ بر عکس معتقدم باید این سهم زیاد شود. حرف اصلی من این است که بقای مدرسه باشد بر اساس شایستگی باشد و جلب مشارکت مردم باشد اوج مطالبه حاکمیت باشد

که به سیستم آموزشی خودش آموزش بدهد، گفت: «در واقع نظام آموزشی ما پیش از آنکه به مردم آموزش بدهد، باید به دنبال آموزش دادن به خودش باشد و برنامه‌درسی آشکار و پنهان حاکم بر نظام آموزشی را که مهم‌ترین آن نظام بوروکراتیک است، مورد چالش قرار دهد.»

۲۰ درصد زمان آموزش در اختیار استان‌ها و مناطق است



دکتر محمود امامی تهرانی مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی ابتدایی و متوسطه نظری یکی دیگر از سخنرانان این کنفرانس بود که گزارشی از فعالیت این دفتر در جهت کاهش تمرکز در آموزش و پرورش ارائه کرد. وی گفت: «بحث کاهش تمرکز در آموزش و پرورش بحث جدیدی نیست. آن چه مهم است یافتن راه کارهایی برای تحقیق این مسئله است. در چند سال اخیر ما شاهد یک حرکت بنیادی در آموزش و پرورش در این زمینه بودیم که حاصل تولید و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بود. این سند موجب شد که ما از کلی گویی رها شویم.»

بنده ۵ - ۵ سند تحول بنیادین بر این نکته تأکید دارد که حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد زمان آموزش در اختیار مدارس، مناطق و استان‌ها قرار گیرد.

همچنین بنده ۲ - ۱۳ برنامه درسی ملی اجازه داده است که ۵۰ ساعت در طول سال برای فضای آموزش آزاد نسبت به برنامه رسمی قرار گیرد.»

مدارس باید نان شایستگی خودشان را بخورند



دکتر محمود مهر محمدی رئیس دانشگاه فرهنگیان سخنران دیگر این کنفرانس بود. وی گفت: نگاه من به تمرکز دایی، نگاه مدیریتی است. من معتقدم در یک نظام اسلامی عدالت محور، باید

مدرسه، به عنوان یک نهاد اجتماعی نان شایستگی خودش را بخورد. چه دلیلی دارد که یک مدرسه کم کیفیت بارانت به حیات خود ادامه دهد. چرا والدین و دانشآموزان باید این شرایط را تحمل کنند که مجبور باشند تعلیم و تربیت بچه‌هایشان را به این نظام بسپارند؟

دکتر مهر محمدی با بیان این مطلب که ما نیازمند

یک سازمان غیردولتی و غیربراتی در نظام تعلیم و تربیت هستیم، گفت: «عده‌ای می‌گویند معنی سخن شما خصوصی‌سازی مدارس است، در صورتی که من می‌گویم خصوصی‌سازی ناعادلانه‌ترین لقبی است که می‌توان به مدارس غیردولتی داد.»

وی افزود: «نمی‌گوییم سهم دولت را در نظام آموزشی کشور کم کنیم؛ بر عکس معتقدم باید این سهم زیاد شود. حرف اصلی من این است که بقای مدرسه باید بر اساس شایستگی باشد و جلب مشارکت مردم باید اوج مطالبه حاکمیت باشد.»

عوامل بازماندگی از تحصیل

«روزبه کردونی»، مدیر کل امور آسیب‌های اجتماعی وزارت تعاون هم یکی دیگر از سخنرانان این کنفرانس بود که گفت: «یکی از آسیب‌هایی جدی در مسائل اجتماعی به خصوص در مورد کودکان بازمانده از تحصیل، نبود یک سیاست ملی مدون است. در رویکرد سیاستی، از شناسایی تا تدوین راهکارها، تصویب، اجرا و ارزیابی یک مسئله مشارکت کنندگانی معین می‌شوند تا گوش‌های از کار را به دست گیرند.» وی افزود: «بازماندگی از تحصیل یک چالش جهانی است و دنیا تجاری در این زمینه دارد که ما باید از آن استفاده کنیم تا در دام مسیرهای غلط طی شده نیفتدیم.»

کردونی ادامه داد: «تا چند سال گذشته آمارهای دقیقی در کشورمان درباره بازماندگان از تحصیل وجود نداشت، اما اکنون به تصویر خوبی در این زمینه دست پیدا کرده‌ایم که می‌توانیم با تجمعیت بانک‌های اطلاعاتی اعلام کنیم در هر استان چه تعداد کودک بازمانده از تحصیل وجود دارد.»

سونامی مشکلات جسمی



«دکتر مهرزاد حمیدی»

معاون تربیت‌بدنی و سلامت وزیر آموزش و پرورش یکی دیگر از سخنرانان کنفرانس بود. او گفت:

«در آینده با سونامی مشکلات

جسمی مانند پوکی استخوان و بیماری‌های قلبی و عروقی مواجهیم. ما در حوزه حرکت هنوز نیاز به حساسیت‌زایی داریم. به دلیل زندگی آپارتمانی و ماشینی و رشد فناوری‌های نوین، کودکان را به یک جانشینی ملزم کرده‌ایم و اصلاح کودکان آپارتمانی، ۱۵ سال است که مطرح شده است.»

حمیدی با بیان اینکه سواد حرکتی اعتماد به نفس و انجیزه ایجاد می‌کند، گفت: «کسی که سواد حرکتی ندارد خود را در طول زندگی مخفی می‌کند و اگر کودک سواد حرکتی پیدا نکند در طول زندگی از حرکت باز می‌ماند و مشکلات جسمانی پیدا می‌کند. مهارت حرکت بنیادین به اضافه حرکت‌های ورزشی، سواد حرکتی را می‌سازد.

امروز برای ورزش حرفه‌ای که باید خودگردان باشد، همه اعتبارات ورزش صرف آن می‌شود و اعتبارات ورزش کودکان و نوجوانان برابر با یک یا دو باشگاه کشور است.»

تحصیل‌اند اما آیا همه مدارس از کیفیت لازم برخوردارند؟ مدارس از نظر فضا، تجهیزات، امکانات، تجربه و کیفیت معلمان در سطوح متفاوتی هستند. بنابراین در برنامه ششم توسعه، عدالت کیفی بیش از گذشته باید مورد توجه قرار گیرد و به شش زیر نظام سند تحول بنیادین (مدیریت، نیروی انسانی، کتاب‌های درسی و محتوای آموزشی، فضای تجهیزات، پژوهش و ارزشیابی و منابع مالی) توجه اساسی کنیم»

وی افزو: اگر در رأس هر واحد آموزشی یک مدیر توانمند با اختیارات لازم قرار بگیرد به طور یقین با همین منابع و امکانات ناقص، می‌تواند کار را بهترین نحو پیش ببرد و شاهد ارتقای کیفیت آموزشی باشیم.» **وزیر آموزش و پرورش** در پایان گفت: «این وزارت خانه ۴۰ میلیون مخاطب مستقیم دارد و کوچک‌ترین تضمیم آن همه را در گیر می‌کند. بنابراین همه امید ما این است که در برنامه ششم توسعه عناویتی ویژه به آموزش و پرورش شود.»

۵۰ درصد پرونده‌های بی‌انضباطی و فساد اداری مربوط به آموزش و پرورش است

فردين خرازی، «رئیس امور سلامت اداری و صیانت از حقوق مردم» و دبیر «هیئت عالی نظارت» سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، نیز در ادامه این کنفرانس گفت: «تیمی از پرونده‌های رسیده به هیئت عالی نظارت مربوط به آموزش و پرورش است و باید بگوییم اکنون که در ماههای پایانی برنامه پنجم قرار داریم اگر ارزیابی کنیم که به چه میزان به اهداف پیش‌بینی شده در آموزش و پرورش رسیده‌ایم، به نتایج خواهایند نمی‌رسیم. وی گفت: البته می‌توان علل و دلایل فراوانی را برای این وضع برشمرد و راحل داده که یک راه این است که این برنامه باید توسط یک سیستم عامل به اجرا در آید.»

توسعه عدالت و ارتقای کیفیت شعار آموزش و پرورش در برنامه ششم توسعه



دکتر علی اصغر فانی وزیر آموزش و پرورش در مراسم اختتامیه دومین کنفرانس توسعه و عدالت آموزشی گفت: «شعار ما در برنامه ششم توسعه، توسعه عدالت و ارتقای کیفیت در آموزش و پرورش است.»

وی افزو: «اگر بخواهیم عدالت آموزشی را تقسیم‌بندی کنیم، در یک بعد کمی و در یک بعد کمی طبقه‌بندی می‌شود و ما در رابطه با عدالت کمی موفق بوده‌ایم. زیرا هم اکنون حدود ۹۹ درصد افاده ۶ تا ۱۱ سال مشغول به تحصیل هستند. ما در سال‌های گذشته ۱۱۰ مدرسه تک دانش‌آموزی و ۴۸۰۰ مدرسه کمتر از پنج دانش‌آموز داشته‌ایم. هم اکنون نرخ پوشش تحصیلی در متوسطه اول ۹۴ درصد و متوسطه دوم ۸۲ درصد است و این حاکی از تلاش وزارت آموزش و پرورش در توسعه عدالت کمی آموزشی است.»

وزیر آموزش و پرورش در ادامه گفت: «ما برای تحت پوشش بردن دانش‌آموزان مناطق محروم در دوره متوسطه دوم از روش «روستا مرکزی» و «شبانه‌روزی» استفاده می‌کنیم. هم اکنون بیش از ۴۰۰ هزار دانش‌آموز در مدارس شبانه‌روزی مشغول تحصیل هستند و برای اسکان دانش‌آموزان، تغذیه و امکانات خوبگاهی آن‌ها نیاز داریم که به آموزش و پرورش کمک شود.»

دکتر فانی سپس به موضوع عدالت کیفی در آموزش و پرورش اشاره کرد و گفت: «در حال حاضر ۱۳ میلیون و ۲۵۰ هزار دانش‌آموز در مدارس کشور مشغول به

بيانیه کنفرانس و ۸ مطالبه اجرایی

در آخرین روز دومین کنفرانس توسعه و عدالت آموزشی، بیانیه این کنفرانس نیز قرائت شد. رئوس کلی این مطالبه‌ها به شرح زیر می‌باشد.

۱. تبدیل مدارس مناطق محروم به موتور محركه فقرزدایی در آموزش، سلامت و تغذیه، در راستای چشم‌انداز ۴۵۰

۲. زمینه‌سازی برای توسعه همکاری استراتژیک «شرکت‌های دارای مسئولیت‌پذیری اجتماعی» و «سازمان‌های مردم‌نهاد» در جهت اجرای برنامه‌های نوآورانه «توسعه عدالت آموزشی از بدو تولد»

۳. انتشار «عمومی» و «سالانه» شاخص‌های آماری عدالت محور آموزشی، به تفکیک استان‌ها و به تفکیک جنسیت، مطابق ابلاغیه شورای عالی آموزش و پرورش

۴. ثبیت سرفصل ویژه «توسعه عدالت آموزشی کودکان» در بودجه ۹۵ و برنامه ششم توسعه

۵. فراهم‌سازی الزامات اجرایی فرمان مقام معظم رهبری برای توسعه عدالت آموزشی با تأکید بر کودکان مهاجر

۶. استفاده از نوآوری‌های ICT جهت ارتقای کیفی آموزش و پرورش دانش‌آموزان کم درآمد و دانش‌آموزان در معرض تبعیض

۷. توسعه عدالت آموزشی از طریق «کاهش تمرکزگرایی» و «کاهش پایتخت سالاری» در محتوای درسی، افزایش «مدرسه محوری» در مدیریت بودجه و منابع انسانی، و «آسان سازی» و «تنوع بخشی» مشارکت مردمی در آموزش و پرورش

۸. توجه ویژه به غنایخشی عدالت محور آموزش کودکان و نوجوانان، به عنوان جانشین سرمایه‌نفتی، برای ثبیت «اقتصاد مقاومتی»

زیبایی در چشم‌های من

آرپیتابه‌اگات

نویسنده، شاعر، زیست‌شناس و فعال
مدنی. دانشگاه دهلوی نو
مترجم: مجید عمیق

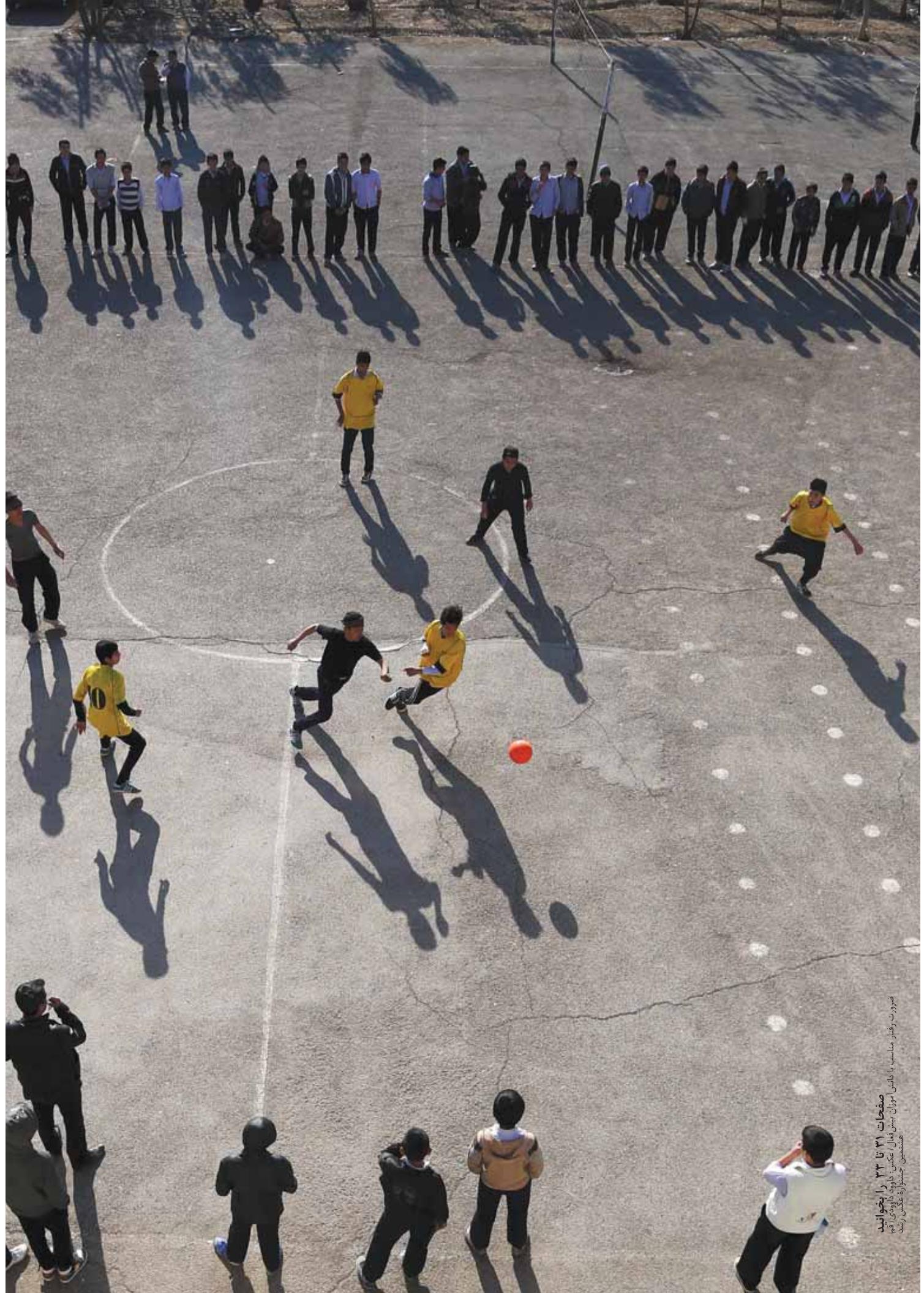
زیبایی چیست؟

نخستین گریه نوزاد
که اشک را در چشم‌های مادرش می‌نشاند
دست‌های چروکیده پیرمردی که تنها یاش گذاشته‌اند،
اما او برای همگان آرزوی خوشبختی می‌کند.
زیبایی فدایکاری سربازان بی‌باکی است که جان خود را می‌دهند
تا جان میلیون‌ها انسانی را که نمی‌شناسند نجات دهند.
زیبایی عرق پیشانی کارگران بی‌خانمانی است
که برای دیگران خانه می‌سازند.
زیبایی لبخند جاودانه رنج‌دیدگان شجاع است
که درد و رنج خود را برای شادی دیگران پنهان می‌کنند.
زیبایی پاهای برهنه بی‌خانمانی‌هایی است
که در شب سرد و مه گرفته
با چهره‌ای گشاده گام برمه‌دارند،
و سرشان را بالا می‌گیرند.
و همه این‌ها از روح بلند این انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد،
که زیبایی را ماندگار می‌سازند.

نامه‌ها و نوشه‌ها

در اینجا اسامی همکاران معلمی که مقالاتشان را به پیامنگار مجله ارسال کرده‌اند و متأسفانه به دلایل مختلف در نوبت چاپ قرار نگرفته است، همراه با عنوان مقاله درج می‌شود. شایان ذکر است که به توصیه و درخواست خود همکاران معلم مقالاتی که کاربردی، کوتاه و دارای ایده آموزشی باشند پس از کارشناسی و تأیید در مجله به چاپ می‌رسد.

سید مهدی خاتمی/دیر آموزش و پژوهش اردبیل/وظیفه
دانشگاه فرهنگیان در قبال فرهنگ
سعید ساحلی، نیما ازرانی/فرهنگ در آینه ضرب المثل
هوشتنگ بهداروند/دیر ادبیات شوشتار/مجموعه شعر
فرحتنگ قاسمیان/دیر تربیت بدنی استان مازندران/نقش
مدارس در اقتصاد مقاومتی
هانیه حیدر نیما/ مقایسه راهبردهای شناختی و فراشناختی در
پیشرفت تحصیلی دانش آموزان شهری و روستایی
سهیلا غلامی هرهدشتی/معرفی نمونه‌های مهم الگوی
تدریس
سید رضا توکلی زاده/آموزگار دبستان/مجموعه شعر (مادری
از جنس نور)
سمیه عباسیان/دیر آموزش و پژوهش خراسان جنوبی
شهرستان زیرکوه/یادگیری مشارکتی
رضاعلائی/استان اصفهان شهرستان ده لاقان/علم در کلام استاد
نبی‌الله ابراهیمی/دیر ریاضی شهرستان کاشمر/منزلت و
جایگاه معلم در فرهنگ معصومین (ع) و رهبران دینی
شهنماز تنها/معاون اجرایی، شهرستان زنجان/پنجره
سهیلا غلامی هرهدشتی/رابطه تدریس و یادگیری
مهرداد خوشناموند/کوهدهشت/ویژگی‌های معلم مظلوب از
دیدگاه شهید مطهری
رحیمه کردکتولی/آسیب‌شناسی طلاق خاموش
مرتضی دادگر اصل/معاون آموزشی استان آذربایجان غربی/
شهرستان ماکو/تکنیک‌های برتر تدریس
حبیب‌الله جعفری زاده/آموزگار آموزش و پژوهش خدابنده/
تجارب یادگیری
روح‌الله غلام‌پور سده‌ی/بررسی جایگاه تفکر در روش‌های
تدریس سنتی و روش‌های تدریس نوین
حسین پیریایی/کار فرهنگی، کار جهادی
فریده ایمانی/تشویق و تنبیه



محدود رفاقت مناسب با داشت
صفحات ۱۳۲ تا ۱۳۳ را بخواهند
همهیں چشیده و گشیده را



دانش آموزی پژوهش
سازمان پژوهش و تحقیقات آموزشی
و ترازنات کانون اموزشی ایران

رشد



امتیازها

- ۱- عکس های برگزیده
به صورت نمایشگاهی در معرض
دید عموم قرار خواهد گرفت.
- ۲- هر یک از آثار راه رفته به نمایشگاه،
مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال به عنوان حق التالیف
برداخت خواهد شد.
- ۳- برای عکاسانی که آثارشان به
نمایشگاه راه باید، گواهی شرکت در
نمایشگاه صادر می شود.

جوایز برگزیدگان

موضوع آموزش و پژوهش

- نفر اول:** لوح تقدیر، تدیس جشنواره و سی میلیون ریال جایزه نقدی
نفر دوم: لوح تقدیر، تدیس جشنواره و بیست و پنجم میلیون ریال جایزه نقدی
نفر سوم: لوح تقدیر، تدیس جشنواره و بیست میلیون ریال جایزه نقدی

دو موضوع دیگر

- نفر اول:** لوح تقدیر، تدیس جشنواره و بیست و پنجم میلیون ریال جایزه نقدی
نفر دوم: لوح تقدیر، تدیس جشنواره و بیست میلیون ریال جایزه نقدی
نفر سوم: لوح تقدیر، تدیس جشنواره و پانزده میلیون ریال جایزه نقدی
برای هر یک از آثار راه رفته به نمایشگاه، مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال به عنوان
حق التالیف برداخت خواهد شد و به عکاسان آنها گواهی شرکت در
نمایشگاه داده می شود

پخش دانش آموزی

- در پخش دانش آموزی، به پنج نفر، هر کدام پانزده میلیون ریال، جایزه
نقدی داده خواهد شد

آخرین مهلت ارسال آثار: ۳۱ تیرماه ۱۳۹۵
انتخاب و داوری آثار: مرداد ماه ۱۳۹۵
افتتاح نمایشگاه و اهدای جوایز: مهرماه ۱۳۹۵



دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، نهمین دوره
جشنواره عکس رشد را برگزار می کند. این
جشنواره با هدف ایجاد و تقویت ارتباط
عکاسان با مجلات رشد و جلب نظر
آنرا به مساله آموزش و پژوهش،
شناسایی عکاسان و حمایت
از آنها، ارتقای سطح
عکاسی در بین فرهنگیان
و دانش آموزان و بازیبینی
کاپسها و نقاط قوت آموزش و
پژوهش برای می شود. از اینجا که در این
جشنواره، طبق وسیعی از عکاسان، حضور دارند.
بکی از جشنواره های معتبر حوزه عکس در ایران
محبوب می شود. گفتنی است این جشنواره در دو
بخش برگزیدگان می شود.
بخش بزرگ سال: کلیه عکسان حرفه ای و امatori
می توانند در آن شرکت کنند.
بخش دانش آموزی: به دانش آموزان ۱۲ تا ۱۸ ساله
تعلق دارد.

موضوع های بخش بزرگ سال

آموزش و پژوهش

- مدارس هشتمین بادگیری مشارکتی، بادگیری قعال،
معماری مدرسه، فضای مدرسه کتابخانه کلاسی، کتابخانه
زندگی امروز، جوانان و نوجوانان ایرانی، جلوه های ایرانی،
لیس های محلى اقوام ایرانی، کار و زندگی و ...
نقدی: در این دو بخش در نشانی محل عکاسی و تاریخ
بیت عکس های ازامی است.
- بخش ویژه
- موضوع ویژه پذیرای عکس هایی با موضوعات زیر خواهد
بود:
- شعار ملی سال ۹۴ دولت و ملت: همدلی و هم زبانی
و پر شن مهر ۹۴ رئیس جمهوری محترم: «پس از
نواحی هسته ای، فرست های جدید پیش روی ماز نظر
علمی، فناوری، محیط کار، اقتصاد و روابط با همسایگان و
دنبیست؟»

- ایران، سرزمین پرگهر
زندگی اقوام و شاهزادگان، سیک زندگی ایرانی - اسلامی،
معماری، آثار و ادبیات تاریخی، موزه ها، ادب و سنت.

موضوع بخش دانش آموزی

در این بخش، دانش آموزان مجازند، عکس هایی با موضوع ازد ارسال کنند

مقررات جشنواره

- ۱- آثار ارسالی توسط عکاس و شرکت در جشنواره، به عنوان اعلام مالکیت معنوی عکس هاست در
صورت اثبات خلاف این امر، در هر مرحله ای، عکس مورد نظر از جریان جشنواره حذف و عاقبت
حقوقی و جزایی آن به عهده شرکت کننده است.
۲- ارسال آثار به منایی پذیرش همه مقررات جشنواره است و تصمیم گیری در مورد مسائل
پیش پیش شده به عهده برگزار کننده است.
۳- عکس های راه رفته به نمایشگاه با ذکر نام عکاس در تولیدات سازمان پژوهش و برنامه ریزی
اموزشی استفاده خواهد شد.
۴- آثار راه رفته به نمایشگاه به صورت لوح فشرده با کتابچه در اختیار بازدید کنندگان قرار خواهد گرفت.

- ۱- شرکت همه عکاسان در این جشنواره ازد است.
۲- آثار ارسالی فقط به صورت «نک عکس» پذیرفته می شود و هر عکس می تواند با ارسال هفت عکس
در هر یک از موضوعات (در جمع ۲۱ عکس) در جشنواره شرکت کند.
۳- آثار باید با حجم کمتر از ۴۰۰ کیلوبایت روی وبگاه جشنواره به نشانی www.roshdmag.ir بارگذاری
شوند.
۴- در صورت راهیابی عکس به نمایشگاه، ارسال عکس با اندازه اصلی ضروری است.
۵- اصلاح رنگ، کنترل است، تیرگی و روشنی و کربل در عکس ها، در حدی که احتال عکس را تغییر
نهد، قابل قبول است.